

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳
اندازه‌گیری ارزش منصفانه

فهرست مندرجات

از بند	هدف
۱	دامنه کاربرد
۵	اندازه‌گیری
۹	تعریف ارزش منصفانه
۹	دارایی یا بدهی
۱۱	معامله
۱۵	فعالان بازار
۲۲	قیمت
۲۴	بکارگیری در مورد داراییهای غیرمالی
۲۷	بکارگیری در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری
۳۴	بکارگیری در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با وضعیت تهاتری در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف مقابل
۴۸	ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه
۵۷	تکنیکهای ارزشیابی
۶۱	داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی
۶۷	سلسله مراتب ارزش منصفانه
۷۲	افشا
۹۱	پیوستها
	الف اصطلاحات تعریف شده
	ب رهنمود بکارگیری
	پ تاریخ اجرا و گذار

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

هدف

۱. این استاندارد:
الف. ارزش منصفانه را تعریف می‌کند؛
ب. در یک استاندارد واحد، چارچوب اندازه‌گیری ارزش منصفانه را تعیین می‌کند؛ و
پ. افشا درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی می‌نماید.
۲. ارزش منصفانه معیاری مبتنی بر بازار است و مختص واحد تجاری نمی‌باشد. در مورد برخی داراییها و بدهیها، معاملات قابل مشاهده در بازار یا اطلاعات بازار ممکن است در دسترس باشد. اما در مورد سایر داراییها و بدهیها، ممکن است معاملات قابل مشاهده در بازار یا اطلاعات بازار در دسترس نباشد. با وجود این، هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه در هر دو حالت یکسان است - و آن هدف، برآورد قیمتی است که بر اساس آن، معامله‌ای متعارف برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار انجام می‌شود (یعنی قیمت خروجی در تاریخ اندازه‌گیری از دیدگاه یک فعال بازار که دارایی را نگهداری می‌کند یا در قبال بدهی متعهد است).
۳. زمانی که قیمت دارایی یا بدهی یکسان، قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری از طریق تکنیک ارزشیابی دیگری که استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده و مربوط را حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را حداقل می‌سازد، ارزش منصفانه را اندازه‌گیری می‌کند. از آنجا که ارزش منصفانه معیاری مبتنی بر بازار است، در اندازه‌گیری آن از همان مفروضاتی استفاده می‌شود که فعالان بازار در قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی مورد نظر استفاده می‌کنند. در نتیجه، قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسویه بدهی یا ایفای آن به طریقی دیگر، بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه تأثیر ندارد.
۴. در تعریف ارزش منصفانه، بر داراییها و بدهیها تأکید می‌شود، زیرا آنها موضوع اصلی اندازه‌گیری در حسابداری هستند. همچنین، این استاندارد باید برای ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، بکار گرفته شود.

دامنه کاربرد

۵. به استثنای موارد تعیین‌شده در بندهای ۶ و ۷، این استاندارد در مواردی کاربرد دارد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، اندازه‌گیری ارزش منصفانه یا افشا درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه (و اندازه‌گیریهای مبتنی بر ارزش منصفانه، مانند ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، یا افشا درباره آن اندازه‌گیریها) را الزامی یا مجاز کرده باشد.
۶. الزامات اندازه‌گیری و افشا در این استاندارد، در موارد زیر کاربرد ندارد:
الف. معاملات پرداخت مبتنی بر سهام که در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۲ پرداخت مبتنی بر سهام قرار می‌گیرد؛
ب. معاملات اجاره که طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۶ اجاره‌ها به حساب منظور می‌شوند؛ و
پ. اندازه‌گیریهایی که شباهتهایی با ارزش منصفانه دارند، اما ارزش منصفانه نیستند، مانند خالص ارزش فروش در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲ موجودیها یا ارزش بکارگیری در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ کاهش ارزش داراییها.
۷. افشاهای الزامی طبق این استاندارد، در موارد زیر الزامی نیست:
الف. داراییهای طرح که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۹ مزایای کارکنان به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود؛
ب. سرمایه‌گذاریهای طرحهای مزایای بازنشستگی که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۶ حسابداری و گزارشگری توسط طرحهای مزایای بازنشستگی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود؛ و
پ. داراییهایی که مبلغ بازبافتی آنها، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶، ارزش منصفانه پس از کسر مخارج واگذاری است.
۸. در صورتی که به موجب سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ارزش منصفانه الزامی یا مجاز شده باشد، چارچوب اندازه‌گیری ارزش منصفانه که در این استاندارد تشریح می‌شود، هم در اندازه‌گیری اولیه و هم در اندازه‌گیری بعدی کاربرد دارد.

اندازه‌گیری

تعریف ارزش منصفانه

۹. این استاندارد، ارزش منصفانه را به عنوان قیمتی تعریف می‌کند که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.
۱۰. در بند ۲، رویکرد کلی اندازه‌گیری ارزش منصفانه تشریح می‌شود.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

دارایی یا بدهی

۱۱. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در مورد یک دارایی یا بدهی خاص انجام می‌گیرد. بنابراین، در زمان اندازه‌گیری ارزش منصفانه، واحد تجاری باید ویژگیهای دارایی یا بدهی مورد نظر را که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری آن دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه‌گیری در نظر می‌گیرند، مورد توجه قرار دهد. مثالهایی از این ویژگیها به شرح زیر است:

الف. شرایط و موقعیت مکانی دارایی؛ و

ب. محدودیتهای فروش یا استفاده از دارایی، در صورت وجود.

۱۲. اثر ناشی از یک ویژگی خاص بر اندازه‌گیری، با توجه به اینکه چگونه ویژگی مزبور توسط فعالان بازار در نظر گرفته می‌شود، متفاوت است.

۱۳. دارایی یا بدهی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه، می‌تواند به یکی از شکلهای زیر باشد:

الف. یک دارایی یا بدهی مستقل (مانند یک ابزار مالی یا یک دارایی غیرمالی)؛ یا

ب. گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها (مانند یک واحد مولد نقد یا یک فعالیت تجاری).

۱۴. اینکه برای مقاصد شناخت یا افشا، دارایی یا بدهی به صورت مستقل یا به صورت گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها در نظر گرفته شود، به واحد حساب آن بستگی دارد. به استثنای مواردی که در این استاندارد ارائه شده است، واحد حساب برای دارایی یا بدهی باید طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می‌کند، تعیین شود.

معامله

۱۵. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که دارایی یا بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، به منظور فروش دارایی یا انتقال بدهی در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار مبادله می‌شود.

۱۶. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی در یکی از بازارهای زیر اتفاق می‌افتد:

الف. در بازار اصلی برای دارایی یا بدهی؛ یا

ب. در نبود بازار اصلی، در باصرفه‌ترین بازار برای دارایی یا بدهی.

۱۷. لزومی ندارد که واحد تجاری برای مشخص کردن بازار اصلی، یا در نبود بازار اصلی، باصرفه‌ترین بازار، به جستجوی تمام بازارهای ممکن بپردازد، اما باید تمام اطلاعاتی که بطور معقول در دسترس است را در نظر بگیرد. در نبود شواهد نقض‌کننده، فرض بر این است بازاری که بطور معمول واحد تجاری در آن مبادرت به انجام معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی می‌کند، بازار اصلی، یا در صورت نبود بازار اصلی، باصرفه‌ترین بازار است.

۱۸. اگر برای دارایی یا بدهی بازار اصلی وجود داشته باشد، ارزش منصفانه باید بیانگر قیمت در آن بازار باشد (صرف‌نظر از اینکه آن قیمت بطور مستقیم قابل مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک ارزشیابی دیگری برآورد شود)، حتی اگر در تاریخ اندازه‌گیری، قیمت در یک بازار دیگر بطور بالقوه باصرفه‌تر باشد.

۱۹. واحد تجاری باید در تاریخ اندازه‌گیری به بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) دسترسی داشته باشد. از آنجا که واحدهای تجاری مختلف (و فعالیتهای تجاری آن واحدهای تجاری) با فعالیتهای متفاوت، ممکن است به بازارهای متفاوتی دسترسی داشته باشند، بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) برای دارایی یا بدهی یکسان، می‌تواند در واحدهای تجاری مختلف (و فعالیتهای تجاری آن واحدهای تجاری) متفاوت باشد. از این رو، بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار)، (و در نتیجه فعالان بازار)، باید از دیدگاه واحد تجاری در نظر گرفته شود تا تفاوت میان واحدهای تجاری مختلف با فعالیتهای متفاوت، امکانپذیر گردد.

۲۰. اگرچه یک واحد تجاری باید به بازار دسترسی داشته باشد، اما لزومی ندارد در تاریخ اندازه‌گیری بتواند دارایی مشخصی را بفروشد یا بدهی مشخصی را انتقال دهد تا بتواند ارزش منصفانه را بر مبنای قیمت در آن بازار اندازه‌گیری کند.

۲۱. حتی زمانی که بازار قابل مشاهده‌ای برای فراهم کردن اطلاعات قیمت‌گذاری درباره فروش دارایی یا انتقال بدهی در تاریخ اندازه‌گیری وجود نداشته باشد، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید فرض کرد که از دیدگاه فعال بازار که دارایی را در اختیار دارد یا در قبال بدهی متعهد است، معامله‌ای در آن تاریخ انجام می‌شود. این معامله فرضی، مبنایی برای برآورد قیمت فروش دارایی یا انتقال بدهی فراهم می‌کند.

فعالان بازار

۲۲. واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی یا بدهی را با استفاده از مفروضاتی اندازه‌گیری کند که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند، با این فرض که فعالان بازار در جهت کسب بیشترین منافع اقتصادی تلاش می‌کنند.
۲۳. برای ایجاد چنین مفروضاتی، لزومی ندارد واحد تجاری فعالان خاصی را در بازار شناسایی کند. در مقابل، واحد تجاری باید ویژگی‌هایی که فعالان بازار را بطور کلی متمایز می‌کند، با در نظر گرفتن عوامل مربوط به تمام موارد زیر، مشخص نماید:
- الف. دارایی یا بدهی؛
- ب. بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) برای دارایی یا بدهی؛ و
- پ. فعالان بازار همراه با اشخاصی که واحد تجاری، در آن بازار با آنها معامله می‌کند.

قیمت

۲۴. ارزش منصفانه، قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار)، در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود (یعنی قیمت خروجی)، صرف‌نظر از اینکه قیمت مزبور بطور مستقیم قابل مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک ارزشیابی دیگری برآورد شود.
۲۵. قیمتی که در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی یا بدهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نباید بابت مخارج معامله تعدیل شود. مخارج معامله باید طبق سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به حساب منظور شود. مخارج معامله، ویژگی دارایی یا بدهی محسوب نمی‌شود، بلکه این مخارج، مختص یک معامله است و با توجه به چگونگی انجام معامله دارایی یا بدهی توسط واحد تجاری، متفاوت می‌باشد.
۲۶. مخارج معامله، مخارج حمل را شامل نمی‌شود. اگر موقعیت مکانی، از ویژگی‌های دارایی محسوب شود (برای مثال، همان‌گونه که در مورد موجودی کالا مصداق دارد)، قیمت در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) باید بابت مخارجی که در صورت وجود، در نتیجه حمل دارایی از مکان فعلی به آن بازار متحمل می‌گردد، تعدیل شود.

بکارگیری در مورد دارایی‌های غیرمالی

بیشترین و بهترین استفاده از دارایی‌های غیرمالی

۲۷. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیرمالی، توانایی فعالان بازار برای ایجاد منافع اقتصادی از طریق بیشترین و بهترین استفاده از دارایی مورد نظر یا فروش آن به فعالان دیگر بازار که از آن دارایی، بیشترین و بهترین استفاده را می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود.
۲۸. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، به شرح زیر به بررسی امکانپذیر بودن استفاده از دارایی به لحاظ فیزیکی، مجازبودن از نظر قانونی و قابل توجه‌بودن از نظر مالی می‌پردازد:
- الف. برای بررسی امکانپذیر بودن استفاده از نظر فیزیکی، ویژگی‌های فیزیکی دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی در نظر می‌گیرند (مانند موقعیت مکانی یا اندازه دارایی) مورد توجه قرار می‌گیرد.
- ب. برای بررسی مجاز بودن استفاده از نظر قانونی، هرگونه محدودیت قانونی برای استفاده از دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی در نظر می‌گیرند (مانند مقررات منطقه‌بندی قابل اعمال در مورد دارایی) مورد توجه قرار می‌گیرد.
- پ. برای بررسی قابل توجه بودن استفاده از نظر مالی، این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد که آیا استفاده از یک دارایی که از نظر فیزیکی امکانپذیر و از نظر قانونی مجاز است، درآمد یا جریانهای نقدی به میزان کافی ایجاد می‌کند (با در نظر گرفتن مخارج تبدیل دارایی برای استفاده مورد نظر) تا بازده سرمایه‌گذاری فعالان بازار از سرمایه‌گذاری در آن دارایی را تأمین نماید یا خیر.
۲۹. بیشترین و بهترین استفاده، از دیدگاه فعالان بازار تعیین می‌شود، حتی اگر واحد تجاری قصد داشته باشد به شیوه متفاوتی از آن دارایی استفاده کند. اما فرض بر این است که استفاده فعلی واحد تجاری از دارایی غیرمالی، بیشترین و بهترین استفاده است، مگر اینکه بازار یا سایر عوامل بر این تصور باشند که استفاده متفاوت فعالان بازار، ارزش دارایی را حداکثر خواهد کرد.
۳۰. واحد تجاری برای حفظ موقعیت رقابتی یا به دلایل دیگر، ممکن است قصد استفاده فعال یا بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی تحصیل‌شده را نداشته باشد. برای مثال، این مورد زمانی مصداق دارد که واحد تجاری دارایی نامشهود تحصیل‌شده را به صورت تدافعی و به منظور جلوگیری از استفاده دیگران مورد استفاده قرار دهد. با وجود این، واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی غیرمالی را با فرض بیشترین و بهترین استفاده توسط فعالان بازار اندازه‌گیری کند.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

پیش فرض ارزشیابی برای داراییهای غیر مالی

۳۱. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، تعیین کننده پیش فرض ارزشیابی است که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی، به شرح زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

الف. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، ممکن است از طریق استفاده از آن دارایی در ترکیب با سایر داراییها به عنوان یک گروه (پس از راه‌اندازی یا آماده‌سازی برای استفاده)، یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعالیت تجاری)، حداکثر ارزش را برای فعالان بازار فراهم کند.

۱. اگر بیشترین و بهترین استفاده از دارایی، استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا سایر داراییها و بدهیها باشد، ارزش منصفانه دارایی قیمتی است که در معامله جاری بابت فروش دارایی دریافت می‌شود، با این فرض که آن دارایی همراه با سایر داراییها، یا همراه با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار می‌گیرد و داراییها و بدهیهای مزبور (یعنی داراییهای مکمل و بدهیهای مربوط به آن) در دسترس فعالان بازار است.

۲. بدهیهای مرتبط با دارایی مزبور و بدهیهای مرتبط با داراییهای مکمل، شامل بدهیهایی است که سرمایه در گردش را تأمین می‌کند، اما بدهیهای مورد استفاده برای تأمین مالی داراییهایی به غیر از گروه داراییها را شامل نمی‌شود.

۳. مفروضات مربوط به بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، باید برای تمام داراییها (که بیشترین و بهترین استفاده، مربوط به آنها است) در گروه داراییها یا گروه داراییها و بدهیها که دارایی مورد استفاده در آن قرار دارد، یکنواخت باشد.

ب. بیشترین و بهترین استفاده از یک دارایی غیر مالی، ممکن است از طریق استفاده مستقل از دارایی، حداکثر ارزش را برای فعالان بازار فراهم کند. اگر بیشترین و بهترین استفاده از دارایی، استفاده مستقل از دارایی باشد، ارزش منصفانه دارایی، قیمتی است که در معامله جاری، در ازای فروش دارایی به فعالانی که دارایی را به صورت مستقل مورد استفاده قرار می‌دهند، دریافت می‌شود.

۳۲. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیر مالی، فرض می‌شود که دارایی مطابق با واحد حساب مشخص شده در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (که ممکن است یک دارایی منفرد باشد) به فروش می‌رسد. این موضوع حتی در شرایطی که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض شود بیشترین و بهترین استفاده از دارایی از طریق ترکیب با سایر داراییها یا سایر داراییها و بدهیها به دست می‌آید، مصداق دارد، زیرا در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که فعالان بازار، از قبل داراییهای مکمل و بدهیهای مرتبط با آن را در اختیار دارند.

۳۳. بند ۳، کاربرد مفهوم پیش فرض ارزشیابی برای داراییهای غیر مالی را تشریح می‌کند.

بکارگیری در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری

اصول کلی

۳۴. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، فرض بر این است که بدهی مالی یا بدهی غیر مالی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری (مانند ابزارهای مالکانه منتشر شده به عنوان مابه‌ازا در ترکیب تجاری) در تاریخ اندازه‌گیری به فعالان بازار انتقال می‌یابد. در انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، فرض بر این است که:

الف. بدهی به شکل تسویه نشده باقی می‌ماند و فعال بازار که انتقال گیرنده است، ملزم به ایفای آن تعهد می‌باشد. بدهی، در تاریخ اندازه‌گیری، با طرف معامله تسویه نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی‌یابد.

ب. ابزار مالکانه خود واحد تجاری، همچنان جاری باقی می‌ماند و فعال بازار که انتقال گیرنده است، حقوق و مسئولیتهای مرتبط با آن ابزار را می‌پذیرد. ابزار مالکانه، در تاریخ اندازه‌گیری، ابطال نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی‌یابد.

۳۵. حتی زمانی که بازار قابل مشاهده‌ای برای فراهم کردن اطلاعات قیمت گذاری درباره انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری وجود نداشته باشد (برای مثال، به دلیل اینکه محدودیتهای قراردادی یا سایر محدودیتهای قانونی مانع انتقال این اقلام می‌شود)، ممکن است در صورت نگهداری این اقلام به عنوان دارایی توسط سایرین، بازاری قابل مشاهده وجود داشته باشد (مانند اوراق قرضه شرکی یا اختیار خرید سهام واحد تجاری).

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳

اندازه‌گیری ارزش منصفانه

۴۰۱

۳۶. در تمام موارد، واحد تجاری باید استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده و مربوط را حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیر قابل مشاهده را حداقل کند تا به هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه دست یابد، یعنی برآورد قیمتی که در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار، در معاملاتی متعارف بین فعالان بازار، در ازای آن، بدهی یا ابزار مالکانه منتقل می‌شود.

بدهیها و ابزارهای مالکانه نگهداری‌شده به عنوان دارایی توسط طرفین دیگر

۳۷. هنگامی که قیمت اعلام‌شده برای انتقال یک بدهی یکسان یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، در دسترس نباشد و طرف دیگری، همان قلم را به عنوان دارایی در اختیار داشته باشد، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه فعال بازاری که در تاریخ اندازه‌گیری آن قلم را به عنوان دارایی در اختیار دارد، اندازه‌گیری کند.

۳۸. در چنین مواردی واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را به شرح زیر اندازه‌گیری کند:
الف. استفاده از قیمت اعلام‌شده در بازار فعال برای قلم یکسانی که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری می‌شود، در صورتی که این قیمت در دسترس باشد.

ب. در صورت عدم دسترسی به قیمت مزبور، استفاده از سایر داده‌های ورودی قابل مشاهده، مانند قیمت اعلام‌شده در بازار غیر فعال برای قلم یکسانی که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری می‌شود.

پ. در صورتی که قیمت‌های قابل مشاهده ذکر شده در قسمتهای (الف) و (ب) در دسترس نباشد، استفاده از یک تکنیک ارزشیابی دیگر مانند:

۱. رویکرد درآمدی (برای مثال، تکنیک ارزش فعلی که به جریانهای نقدی آتی که فعال بازار انتظار دارد در قبال نگهداری بدهی یا ابزار مالکانه به عنوان دارایی، دریافت نماید، توجه می‌کند؛ به بندهای ب ۱۰ و ب ۱۱ مراجعه شود).
۲. رویکرد بازار (برای مثال، استفاده از قیمت‌های اعلام‌شده برای بدهیها یا ابزارهای مالکانه مشابه نگهداری‌شده توسط طرفین دیگر به عنوان دارایی؛ به بندهای ب ۵ تا ب ۷ مراجعه شود).

۳۹. واحد تجاری باید قیمت اعلام‌شده بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری را که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری می‌شود، تنها در صورتی تعدیل کند که عواملی مختص دارایی وجود داشته باشد که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه قابل استفاده نباشد. واحد تجاری باید اطمینان یابد که قیمت دارایی، تأثیر محدودیتی که مانع فروش آن دارایی می‌شود را منعکس نمی‌کند. برخی عوامل که ممکن است نشان دهنده قیمت اعلام‌شده دارایی باید تعدیل شود، شامل موارد زیر است:

الف. قیمت اعلام‌شده دارایی با بدهی یا ابزار مالکانه مشابه (اما غیر یکسان) که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری می‌شود، در ارتباط باشد. برای مثال، بدهی یا ابزار مالکانه ممکن است ویژگی خاصی داشته باشد (برای مثال، وضعیت اعتباری ناشر) که با آنچه در ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه مشابه نگهداری‌شده به عنوان دارایی منعکس شده است، متفاوت باشد.

ب. واحد حساب دارایی با واحد حساب بدهی یا ابزار مالکانه یکسان نباشد. برای مثال، در مورد بدهیها، در برخی موارد قیمت دارایی منعکس‌کننده قیمت ترکیبی مجموعه‌ای متشکل از تعهدات ناشر و روشهای افزایش اعتبار شخص ثالث است. اگر واحد حساب بدهی، واحد حساب مجموعه ترکیبی نباشد، هدف، اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی ناشر، و نه ارزش منصفانه مجموعه ترکیبی است. بنابراین، در چنین مواردی، واحد تجاری به منظور حذف اثر افزایش اعتبار شخص ثالث، قیمت مشاهده‌شده دارایی را تعدیل می‌کند.

بدهیها و ابزارهای مالکانه که توسط طرفین دیگر، به عنوان دارایی نگهداری نمی‌شود

۴۰. هنگامی که برای انتقال یک بدهی یکسان یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، قیمت اعلام‌شده‌ای در دسترس نباشد و طرف دیگر، همان قلم را به عنوان دارایی نگهداری نکند، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه فعال بازاری که در قبال بدهی متعدد است یا ابزار مالکانه را منتشر کرده است، با استفاده از یک تکنیک ارزشیابی اندازه‌گیری کند.

۴۱. برای مثال، هنگام استفاده از روش ارزش فعلی، ممکن است واحد تجاری یکی از موارد زیر را در نظر بگیرد:
الف. جریانهای نقدی خروجی آتی که فعال بازار انتظار دارد هنگام ایفای تعهدات تحمل کند، شامل مابه‌ازایی که فعال بازار برای تقبل تعهد، آن را درخواست می‌کند (به بندهای ب ۳۱ تا ب ۳۳ مراجعه شود).

ب. مبلغی که فعال بازار، برای تقبل یا انتشار بدهی یا ابزار مالکانه یکسان، دریافت می‌کند، که مبتنی بر مفروضاتی است که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری همان قلم (برای مثال، با ویژگیهای اعتباری یکسان) در بازار اصلی (یا با صرفه‌ترین بازار) برای انتشار بدهی یا ابزار مالکانه با شرایط قراردادی یکسان، مورد استفاده قرار می‌دهند.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ریسک عدم ایفای تعهد

۴۲. ارزش منصفانه بدهی، تأثیر ریسک عدم ایفای تعهد را منعکس می‌کند. ریسک عدم ایفای تعهد شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری است (طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ ابزارهای مالی: افشا)، اما محدود به آن نمی‌شود. فرض می‌شود ریسک عدم ایفای تعهد، قبل و بعد از انتقال بدهی، یکسان است.

۴۳. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی، واحد تجاری باید تأثیر ریسک اعتباری خود (وضعیت اعتباری) و سایر عواملی را که ممکن است بر احتمال ایفا یا عدم ایفای تعهد تأثیر بگذارد، در نظر گیرد. این آثار ممکن است با توجه به نوع بدهی متفاوت باشد، برای مثال: الف. اینکه بدهی، تعهد تحویل نقد (بدهی مالی) یا تعهد تحویل کالا یا خدمات (بدهی غیر مالی) است. ب. شرایط افزایش اعتبار مرتبط با بدهی، در صورت وجود.

۴۴. ارزش منصفانه بدهی، تأثیر ریسک عدم ایفای تعهد را بر مبنای واحد حساب آن، منعکس می‌کند. ناشر بدهی منتشر شده همراه با یک افزایش اعتبار جدانشدنی شخص ثالث که جدا از بدهی گزارش می‌شود، نباید اثر افزایش اعتبار (مانند تضمین بدهی توسط شخص ثالث) را در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی در نظر گیرد. اگر افزایش اعتبار جدا از بدهی در نظر گرفته شود، ناشر هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی، به جای وضعیت اعتباری شخص ثالث تضمین‌کننده، وضعیت اعتباری خود را در نظر می‌گیرد.

محدودیتی که مانع انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری می‌شود

۴۵. واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، نباید داده ورودی جداگانه یا تعدیلی در سایر داده‌های ورودی مرتبط با وجود محدودیتی که مانع انتقال آن قلم می‌شود را در نظر بگیرد. تأثیر محدودیتی که مانع انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری می‌شود، به صورت صریح یا ضمنی در سایر داده‌های ورودی مربوط به اندازه‌گیری ارزش منصفانه منظور می‌شود.

۴۶. برای مثال، در تاریخ معامله، اعتباردهنده و اعتبارگیرنده، هر دو، قیمت معامله بدهی را با آگاهی کامل از اینکه تعهد شامل محدودیتی است که مانع انتقال آن می‌شود، پذیرفته‌اند. با توجه به لحاظ شدن محدودیت در قیمت معامله، ضرورتی ندارد در تاریخ معامله، به منظور انعکاس تأثیر محدودیت بر انتقال، داده ورودی جداگانه‌ای در داده‌های موجود لحاظ شود یا تعدیلی صورت گیرد. همچنین، لحاظ کردن داده ورودی جداگانه یا تعدیل در داده ورودی موجود در تاریخهای اندازه‌گیری بعدی به منظور انعکاس تأثیر محدودیت بر انتقال، الزامی نیست.

بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه

۴۷. ارزش منصفانه یک بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه (برای مثال، سپرده دیداری) از مبلغ قابل پرداخت در زمان مطالبه، که از نخستین تاریخی که آن مبلغ می‌تواند قابل پرداخت باشد تنزیل شده است، کمتر نیست.

بکارگیری در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با وضعیت تهاوری در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف مقابل

۴۸. یک واحد تجاری که گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی را نگهداری می‌کند، در معرض ریسکهای بازار (طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷) و ریسک اعتباری (طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷) هر یک از طرفین مقابل قرار دارد. چنانچه واحد تجاری، گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای خالص آسیب‌پذیری از ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری مدیریت کند، واحد تجاری مجاز به استفاده از استثنای این استاندارد در اندازه‌گیری ارزش منصفانه است. این استثناء، به واحد تجاری اجازه می‌دهد تا ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را در معامله بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار، بر مبنای قیمتی اندازه‌گیری کند که در نتیجه فروش موقعیت خرید خالص (دارایی) در سطح ریسک مشخص، قابل دریافت، یا در نتیجه انتقال موقعیت فروش خالص (بدهی) در سطح ریسک مشخص، قابل پرداخت باشد. به این ترتیب، واحد تجاری باید در تاریخ اندازه‌گیری، ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را طبق نحوه قیمت‌گذاری خالص آسیب‌پذیری از ریسک توسط فعالان بازار، اندازه‌گیری کند.

۴۹. واحد تجاری تنها در صورت انجام تمام موارد زیر مجاز است استثنای مندرج در بند ۴۸ را بکار گیرد:

- الف. گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای خالص آسیب‌پذیری از ریسک (یا ریسکهای) خاص بازار یا ریسک اعتباری خاص طرف معامله، طبق مدیریت ریسک یا راهبرد سرمایه‌گذاری مستندشده واحد تجاری مدیریت کند؛
- ب. بر مبنای اشاره‌شده، اطلاعاتی درباره گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، برای مدیران اصلی واحد تجاری طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۴ افشای اطلاعات اشخاص وابسته، ارائه کند؛ و

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳

اندازه‌گیری ارزش منصفانه

۴۰۳

پ. ملزم باشد یا تصمیم گرفته باشد داراییهای مالی و بدهیهای مالی مزبور را در صورت وضعیت مالی در پایان هر دوره گزارشگری، به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند.

۵۰. استثنای مندرج در بند ۴۸، ارتباطی با ارائه صورتهای مالی ندارد. در برخی موارد، مبنای ارائه ابزارهای مالی در صورت وضعیت مالی با مبنای اندازه‌گیری ابزارهای مالی متفاوت است، برای مثال، زمانی که یکی از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ارائه ابزارهای مالی بر مبنای خالص را الزامی یا مجاز نمی‌داند. در این موارد، ممکن است واحد تجاری تعدیلات در سطح پرتفوی (به بندهای ۵۳ تا ۵۶ مراجعه شود) را به هر یک از داراییها یا بدهیهای تشکیل‌دهنده گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی که بر مبنای خالص سطح ریسک واحد تجاری مدیریت می‌شود، تخصیص دهد. واحد تجاری باید چنین تخصیصهایی را بر مبنایی معقول و یکنواخت، با استفاده از روش‌شناسی متناسب با شرایط انجام دهد.

۵۱. واحد تجاری به منظور استفاده از استثنای مندرج در بند ۴۸، باید طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۸ رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، درباره رویه حسابداری تصمیم‌گیری کند. واحد تجاری که از این استثنا استفاده می‌کند، باید این رویه حسابداری، شامل رویه تخصیص تعدیلات قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش (به بندهای ۵۳ تا ۵۵ مراجعه شود) و تعدیلات اعتباری (به بند ۵۶ مراجعه شود) را، در موارد مقتضی، به صورت یکنواخت در دوره‌های مختلف برای پرتفوی خاص بکار گیرد.

۵۲. استثنای مندرج در بند ۴۸، تنها برای داراییهای مالی، بدهیهای مالی و سایر قراردادهای مشمول دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ابزارهای مالی (یا استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری، در صورتی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ هنوز پذیرفته نشده باشد) کاربرد دارد. ارجاع به داراییهای مالی و بدهیهای مالی در بندهای ۴۸ تا ۵۱ و بندهای ۵۳ تا ۵۶، باید به عنوان بکارگیری برای تمام قراردادهای مشمول دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ابزارهای مالی (یا استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹، در صورتی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ هنوز پذیرفته نشده باشد)، تفسیر شود و به حساب منظور گردد، صرف‌نظر از اینکه تعاریف داراییهای مالی یا بدهیهای مالی در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲ ابزارهای مالی: ارائه احراز شده باشد.

آسیب‌پذیری از ریسکهای بازار

۵۳. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸ برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، که بر مبنای خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک (یا ریسکهای) خاص بازار مدیریت می‌شود، واحد تجاری باید قیمتی در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش را بکار گیرد که معرف بهتری از ارزش منصفانه در شرایط خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسکهای بازار است (به بندهای ۷۰ و ۷۱ مراجعه شود).

۵۴. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸، واحد تجاری باید اطمینان یابد که ریسک (یا ریسکهای) بازاری که واحد تجاری در گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، در معرض آن (آنها) قرار دارد، تا حد زیادی یکسان است. برای مثال، واحد تجاری ریسک نرخ بهره مربوط به یک دارایی مالی را با ریسک قیمت کالای مربوط به یک بدهی مالی ترکیب نمی‌کند، زیرا این کار، آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک نرخ بهره یا ریسک قیمت کالا را کاهش نمی‌دهد. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸، هر گونه ریسک پایه ناشی از پارامترهای ناهمسان ریسک بازار، باید در اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدهیهای مالی گروه، در نظر گرفته شود.

۵۵. همچنین، مدت زمان قرار گرفتن واحد تجاری در معرض ریسک (ریسکهای) خاص بازار که ناشی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی است، باید تا حد زیادی یکسان باشد. برای مثال، واحد تجاری که در برابر جریانهای نقدی مربوط به آسیب‌پذیری از ریسک نرخ بهره ۱۲ ماه مرتبط با ابزار مالی ۵ ساله‌ای که در گروهی صرفاً متشکل از آن داراییهای مالی و بدهیهای مالی قرار گرفته است، از قرارداد آتی ۱۲ ماهه استفاده می‌کند، ارزش منصفانه آسیب‌پذیری از ریسک نرخ بهره ۱۲ ماهه را بر مبنای خالص و ارزش منصفانه آسیب‌پذیری از باقیمانده ریسک نرخ بهره (یعنی سالهای دوم تا پنجم) را بر مبنای ناخالص اندازه‌گیری می‌کند.

قرار گرفتن در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل خاص

۵۶. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸ برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی مرتبط با یک طرف مقابل خاص، زمانی که فعالان بازار هر گونه توافق موجود برای کاهش آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری در شرایط نکول را در نظر بگیرند، واحد تجاری باید تأثیر خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری مربوط به طرف مقابل یا خالص آسیب‌پذیری طرف مقابل از ریسک اعتباری واحد تجاری را در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ کند (برای مثال، موافقت‌نامه جامع

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

خالص‌سازی یا طرف مقابل یا موافقت‌نامه‌ای که مستلزم مبادله وثیقه بر مبنای خالص آسیب‌پذیری هر یک از طرفین از ریسک اعتباری طرف دیگر است). اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید انتظارات فعالان بازار از احتمال وجود الزام قانونی برای چنین توافقی در شرایط نکول منعکس کند.

ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه

۵۷. زمانی که در یک معامله مبادله‌ای، دارایی تحصیل یا یک بدهی تقبل می‌شود، قیمت معامله معادل قیمت پرداختی برای تحصیل دارایی یا قیمت دریافتی برای تعهد بدهی (قیمت ورودی) است. در مقابل، ارزش منصفانه دارایی یا بدهی قیمتی است که در ازای فروش دارایی، دریافت یا در ازای انتقال بدهی، پرداخت می‌شود (قیمت خروجی). واحدهای تجاری لزوماً داراییها را به قیمت پرداختی برای تحصیل، نمی‌فروشند. همچنین، واحدهای تجاری لزوماً بدهیها را به قیمت دریافتی در ازای تقبل آنها، منتقل نمی‌کنند.
۵۸. در بسیاری موارد، قیمت معامله برابر با ارزش منصفانه است (برای مثال، این مورد زمانی مصداق دارد که در تاریخ معامله، معامله خرید دارایی در بازاری انجام شود که دارایی به فروش می‌رسد).
۵۹. هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه، با قیمت معامله برابر است یا خیر، واحد تجاری باید عوامل مختص به آن معامله و آن دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. در بند ب۴، شرایطی توصیف می‌شود که ممکن است در آن شرایط، قیمت معامله بیانگر ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در زمان شناخت اولیه نباشد.
۶۰. چنانچه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، واحد تجاری را در ابتدا ملزم یا مجاز به اندازه‌گیری دارایی یا بدهی به ارزش منصفانه کند و قیمت معامله با ارزش منصفانه متفاوت باشد، واحد تجاری باید سود یا زیان حاصل را در سود یا زیان دوره شناسایی کند، مگر اینکه استاندارد مزبور، روش دیگری را تعیین کرده باشد.

تکنیکهای ارزشیابی

۶۱. واحد تجاری باید از تکنیکهای ارزشیابی متناسب با شرایط استفاده کند و در مواردی که داده‌های کافی به منظور اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دسترس است، استفاده از داده‌های ورودی مربوط و قابل مشاهده را حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را حداقل نماید.
۶۲. هدف از بکارگیری تکنیک ارزشیابی، برآورد قیمتی است که در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار، معامله‌ای متعارف برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار، به آن قیمت انجام می‌شود. سه تکنیک ارزشیابی که در سطح وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل رویکرد بازار، رویکرد بهای تمام شده و رویکرد در آمدی می‌باشد. ابعاد اصلی این رویکردها در بندهای ب۵ تا ب۱۱ خلاصه شده است. واحد تجاری باید برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، از تکنیکهای ارزشیابی سازگار با یک یا چند رویکرد اشاره‌شده استفاده نماید.
۶۳. در برخی موارد، استفاده از تنها یک تکنیک ارزشیابی مناسب است (مانند زمانی که دارایی یا بدهی، با استفاده از قیمت‌های اعلام‌شده در بازاری فعال برای داراییها یا بدهیهای یکسان، ارزشیابی می‌شود). در موارد دیگر، استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی مناسب خواهد بود (مانند ارزشیابی یک واحد مولد نقد). اگر چندین تکنیک ارزشیابی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده شود، نتایج (یعنی شاخصهای مربوط ارزش منصفانه) باید با توجه به معقول بودن دامنه ارزشهای مبتنی بر آن نتایج، ارزیابی شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نقطه‌ای از آن دامنه است که بهترین معرف ارزش منصفانه در آن شرایط باشد.
۶۴. اگر قیمت معامله، معادل ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه باشد و تکنیک ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دوره‌های بعد، از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده کند، این تکنیک ارزشیابی باید به گونه‌ای تنظیم شود که نتیجه تکنیک ارزشیابی مزبور در زمان شناخت اولیه، برابر با قیمت معامله باشد. این تنظیمات، اطمینان می‌دهد که روش ارزشیابی شرایط جاری بازار را منعکس و به واحد تجاری کمک می‌کند تا تعیین نماید که آیا تعدیل تکنیک ارزشیابی ضرورت دارد یا خیر (برای مثال، ممکن است دارایی یا بدهی دارای ویژگی باشد که در تکنیک ارزشیابی مورد ملاحظه قرار نگرفته است). پس از شناخت اولیه، هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیک یا تکنیکهای ارزشیابی که از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده می‌کند، واحد تجاری باید اطمینان دهد که آن تکنیکهای ارزشیابی، داده‌های قابل مشاهده در بازار (مانند قیمت دارایی یا بدهی مشابه) را در تاریخ اندازه‌گیری منعکس می‌کند.
۶۵. تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید با ثبات رویه بکار گرفته شود. با وجود این، تغییر در تکنیک ارزشیابی یا کاربرد آن (برای مثال، تغییر در اهمیت آن هنگام استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی یا تغییر در تعدیل اعمال‌شده در تکنیک ارزشیابی)، در صورتی مناسب است که آن تغییر منجر به مبلغی شود که به همان میزان یا بیشتر، نماینده ارزش منصفانه در آن شرایط باشد. برای مثال، در صورت وقوع هر یک از رویدادهای زیر ممکن است این مورد مصداق داشته باشد:

الف. ایجاد بازارهای جدید؛

ب. دسترسی به اطلاعات جدید؛

- پ. عدم دسترسی به اطلاعات استفاده‌شده در گذشته؛
ت. بهبود تکنیکهای ارزشیابی؛ یا
ث. تغییر در شرایط بازار.

۶۶. تجدیدنظرهای ناشی از تغییر در تکنیک ارزشیابی یا کاربرد آن، باید طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۸ به عنوان تغییر در برآورد حسابداری محسوب شود. با وجود این، افشاهای مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۸ درخصوص تغییر در برآورد حسابداری، بابت تجدیدنظرهای ناشی از تغییر در روشهای ارزشیابی یا کاربرد آن، الزامی نیست.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی

اصول کلی

۶۷. در روشهای ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باید استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده و مربوط، حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، حداقل شود.
۶۸. مثالهایی از بازارهایی که در آن، داده‌های ورودی مربوط به برخی داراییها و بدهیها (برای مثال ابزارهای مالی) ممکن است قابل مشاهده باشد، شامل بازارهای بورس، بازارهای معامله‌گران، بازارهای کارگزاری و بازارهای بدون واسطه است (به بند پ ۳۴ مراجعه شود).
۶۹. واحد تجاری باید داده‌های ورودی را انتخاب کند که با ویژگیهای دارایی یا بدهی مورد نظر که فعالان بازار در معامله آن دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند، سازگار باشد (به بندهای ۱۱ و ۱۲ مراجعه شود). در برخی موارد، آن ویژگیها منجر به انجام تعدیل، مانند صرف یا کسر می‌شود (برای مثال، صرف کنترل یا کسر منافع فاقد حق کنترل). با وجود این، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نباید صرف یا کسری لحاظ شود که با واحد حساب مندرج در استاندارد که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می‌کند، سازگار نباشد (به بندهای ۱۳ و ۱۴ مراجعه شود). صرف یا کسری که، به جای انعکاس اندازه به عنوان ویژگی دارایی یا بدهی (برای مثال، صرف کنترل هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه منافع دارای حق کنترل)، اندازه را به عنوان ویژگی میزان مالکیت واحد تجاری منعکس می‌کند (به ویژه، طبق توصیف مندرج در بند ۸۰، عامل محدودکننده‌ای است که قیمت اعلام‌شده دارایی یا بدهی را به این دلیل تعدیل می‌کند که حجم عادی معاملات روزانه بازار به اندازه‌ای نیست که مقادیر نگهداری‌شده توسط واحد تجاری را جذب کند)، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه در نظر گرفته نمی‌شود. در تمام موارد، به جز موارد تعیین‌شده در بند ۷۹، اگر قیمت اعلام‌شده در بازار فعال (یعنی داده ورودی سطح ۱) برای دارایی یا بدهی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه، آن قیمت را بدون تعدیل مورد استفاده قرار دهد.

داده‌های ورودی مبتنی بر قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش

۷۰. اگر دارایی یا بدهی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه، دارای قیمت پیشنهادی خرید و فروش باشد (برای مثال، داده ورودی از بازار معامله‌گران)، صرف‌نظر از جایگاه آن داده ورودی در طبقه‌بندی سلسله مراتب ارزش منصفانه (یعنی سطح ۱، ۲ یا ۳؛ به بندهای ۷۲ تا ۹۰ مراجعه شود)، قیمتی که در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش، بیش از همه معرف ارزش منصفانه در آن شرایط است، باید برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از قیمتهای پیشنهادی خرید برای وضعیت دارایی و قیمتهای پیشنهادی فروش برای وضعیت بدهی مجاز است، اما الزامی نیست.
۷۱. این استاندارد، استفاده از قیمت‌گذاری بر مبنای میانگین قیمت بازار یا سایر روشهای قیمت‌گذاری را که فعالان بازار به عنوان راهکار عملی اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش بکار می‌گیرند، منع نمی‌کند.

سلسله مراتب ارزش منصفانه

۷۲. به منظور افزایش ثبات رویه و قابلیت مقایسه در اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشاهای مرتبط با آن، در این استاندارد سلسله مراتب ارزش منصفانه مطرح می‌شود که داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه را در سه سطح طبقه‌بندی می‌کند (به بندهای ۷۶ تا ۹۰ مراجعه شود). در سلسله مراتب ارزش منصفانه، بالاترین اولویت مربوط به قیمتهای اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها و بدهیهای یکسان (داده‌های ورودی سطح ۱) و پایین‌ترین اولویت مربوط به داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده (داده‌های ورودی سطح ۳) است.
۷۳. در برخی موارد، ممکن است داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی یا بدهی، در سطوح مختلف سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده باشند. در این موارد، اندازه‌گیری کل ارزش منصفانه، در همان سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود که یک داده ورودی در پایین‌ترین سطح که نسبت به کل اندازه‌گیری بااهمیت است، در آن سطح طبقه‌بندی شده باشد. ارزیابی اهمیت یک داده ورودی خاص نسبت به کل اندازه‌گیری، مستلزم قضاوت و در نظر گرفتن عوامل مختص دارایی یا بدهی است. تعدیلات برای دستیابی به اندازه‌گیری مبتنی بر ارزش منصفانه، مانند مخارج فروش هنگام اندازه‌گیری

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، نباید در زمان تعیین سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندی می‌شود، لحاظ گردد.

۷۴. قابلیت دسترسی به داده‌های ورودی مربوط و ماهیت نسبتاً ذهنی آنها، ممکن است بر انتخاب تکنیکهای ارزشیابی مناسب اثر بگذارد (به بند ۶۱ مراجعه شود). با وجود این، سلسله مراتب ارزش منصفانه، داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی، و نه تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، را اولویت‌بندی می‌کند. برای مثال، اندازه‌گیری ارزش منصفانه مبتنی بر تکنیکهای ارزش فعلی، با توجه به اهمیت داده‌های ورودی نسبت به کل اندازه‌گیری و سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که داده‌های ورودی در آن سطح طبقه‌بندی شده‌اند، ممکن است در سطح ۲ یا سطح ۳ قرار گیرد.

۷۵. اگر یک داده ورودی قابل مشاهده، مستلزم تعدیل با استفاده از یک داده ورودی غیرقابل مشاهده باشد و آن تعدیل به میزان قابل ملاحظه‌ای ارزش منصفانه را بالاتر یا پایین‌تر اندازه‌گیری کند، اندازه‌گیری حاصل در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه قرار خواهد گرفت. برای مثال، اگر فعال بازار، هنگام برآورد قیمت دارایی، اثر محدودیت فروش دارایی را در نظر گیرد، واحد تجاری برای انعکاس اثر آن محدودیت، قیمت اعلام‌شده را تعدیل می‌کند. اگر قیمت اعلام‌شده، یک داده ورودی سطح ۲ و تعدیل مورد نظر، داده ورودی غیرقابل مشاهده‌ای باشد که نسبت به کل اندازه‌گیری، بااهمیت است، اندازه‌گیری در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود.

داده‌های ورودی سطح ۱

۷۶. داده‌های ورودی سطح ۱، قیمتهای اعلام‌شده (تعدیل نشده) در بازارهای فعال برای داراییها یا بدهیهای یکسان می‌باشد که در تاریخ اندازه‌گیری، واحد تجاری به آنها دسترسی دارد.

۷۷. قیمت اعلام‌شده در بازار فعال، فراهم‌کننده قابل اتکاترین شواهد از ارزش منصفانه است و به استثنای مورد مندرج در بند ۷۹، در صورت در دسترس بودن، باید بدون تعدیل برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه بکار گرفته شود.

۷۸. داده‌های ورودی سطح ۱، برای بسیاری از داراییهای مالی و بدهیهای مالی که برخی از آنها در چندین بازار فعال (برای مثال، در بورسهای مختلف) معامله می‌شوند، در دسترس است. بنابراین، در سطح ۱، بر تعیین هر دو مورد زیر تأکید می‌شود:
الف. بازار اصلی برای دارایی یا بدهی یا، در نبود بازار اصلی، باصرفه‌ترین بازار برای دارایی یا بدهی؛ و
ب. اینکه واحد تجاری می‌تواند آن دارایی یا بدهی را در تاریخ اندازه‌گیری به قیمت مزبور در آن بازار، معامله کند یا خیر.

۷۹. واحد تجاری، به استثنای شرایط زیر، نباید داده‌های ورودی سطح ۱ را تعدیل نماید:
الف. زمانی که واحد تجاری تعداد زیادی دارایی یا بدهی (برای مثال اوراق بهادار بدهی) مشابه (اما غیریکسان) در اختیار دارد که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند و برای هر یک از داراییها یا بدهیها، قیمت اعلام‌شده در بازار فعال وجود دارد اما به آسانی قابل دسترسی نیست (یعنی با توجه به تعداد زیاد داراییها یا بدهیهای مشابه که توسط واحد تجاری نگهداری می‌شود، کسب اطلاعات مرتبط با قیمت‌گذاری هر یک از داراییها یا بدهیها در تاریخ اندازه‌گیری دشوار است). در این مورد، ممکن است واحد تجاری به عنوان یک راهکار عملی، ارزش منصفانه را با استفاده از روش قیمت‌گذاری دیگری اندازه‌گیری کند که صرفاً بر مبنای قیمتهای اعلام‌شده نمی‌باشد (برای مثال، قیمت‌گذاری ماتریسی). با وجود این، استفاده از روش قیمت‌گذاری جایگزین، موجب می‌شود اندازه‌گیری ارزش منصفانه در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شود.

ب. زمانی که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال، بیانگر ارزش منصفانه در تاریخ اندازه‌گیری نباشد. برای مثال، این موضوع ممکن است در مواردی مصداق داشته باشد که رویدادهای مهمی (مانند معاملات در بازار بدون واسطه، معاملات در بازار کارگزاری یا اطلاعیه‌ها) پس از بسته شدن بازار و پیش از تاریخ اندازه‌گیری واقع شود. واحد تجاری باید برای تشخیص این رویدادها که ممکن است بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه تأثیر بگذارد، رویه‌ای را بطور یکنواخت بکار گیرد. با وجود این، اگر قیمت اعلام‌شده بابت اطلاعات جدید تعدیل شود، این تعدیل موجب می‌شود اندازه‌گیری ارزش منصفانه در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی گردد.

پ. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری با استفاده از قیمت اعلام‌شده برای یکسانی که در بازار فعال به عنوان دارایی معامله می‌شود و لازم است که آن قیمت بابت عوامل مختص آن قلم یا آن دارایی تعدیل شود (به بند ۳۹ مراجعه شود). اگر تعدیل قیمت اعلام‌شده آن دارایی، ضرورت نداشته باشد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در سطح

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳

اندازه‌گیری ارزش منصفانه

۴۰۷

۱ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود. با این وجود، هر گونه تعدیل قیمت اعلام‌شده دارایی، منجر به طبقه‌بندی اندازه‌گیری ارزش منصفانه در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه می‌شود.

۸۰ اگر واحد تجاری یک دارایی یا بدهی واحد رانگهداری کند (شامل وضعیتی متشکل از تعداد زیادی دارایی یا بدهی یکسان، مانند نگهداری ابزارهای مالی) و آن دارایی یا بدهی در بازار فعال معامله شود، ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی، باید بر اساس قیمت اعلام‌شده هر یک از داراییها و بدهیها و مقدار نگهداری‌شده توسط واحد تجاری، در سطح ۱ اندازه‌گیری شود. این مورد، حتی در شرایطی مصداق دارد که حجم عادی معاملات روزانه بازار، برای جذب مقدار نگهداری‌شده کافی نباشد و صف سفارشهای فروش این وضعیت در یک معامله واحد، ممکن است بر قیمت اعلام‌شده تأثیر بگذارد.

داده‌های ورودی سطح ۲

۸۱ داده‌های ورودی سطح ۲، داده‌های ورودی غیر از قیمت‌های اعلام‌شده در سطح ۱ هستند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، برای دارایی یا بدهی مورد نظر، قابل مشاهده می‌باشند.

۸۲ اگر دارایی یا بدهی، دوره زمانی معینی (قراردادی) داشته باشد، داده ورودی سطح ۲ باید اساساً برای کل دوره زمانی دارایی یا بدهی، قابل مشاهده باشد. داده‌های ورودی سطح ۲ شامل موارد زیر است:

- الف. قیمت اعلام‌شده داراییها یا بدهیهای مشابه در بازارهای فعال.
- ب. قیمت اعلام‌شده داراییها یا بدهیهای یکسان یا مشابه در بازارهای غیر فعال.
- پ. داده‌های ورودی غیر از قیمت‌های اعلام‌شده، که برای دارایی یا بدهی قابل مشاهده است. برای مثال:
 ۱. منحنیهای نرخ بهره و بازده قابل مشاهده که در فواصل زمانی مشخص اعلام‌شده، قابل مشاهده است؛
 ۲. نوسانهای ضمنی؛ و
 ۳. تفاوتهای اعتباری.

ت. داده‌های ورودی مورد تأیید بازار.

۸۳ تعدیلات داده‌های ورودی سطح ۲، با توجه به عوامل مختص دارایی یا بدهی متفاوت است. این عوامل شامل موارد زیر است:

- الف. شرایط یا موقعیت مکانی دارایی؛
- ب. میزان ارتباط داده‌های ورودی با اقلامی که با دارایی یا بدهی مورد نظر قابل مقایسه هستند (شامل عوامل تشریح‌شده در بند ۳۹)؛ و
- پ. حجم یا سطح فعالیت در بازارهایی که داده‌های ورودی در آنها مشاهده می‌شود.

۸۴ تعدیل داده ورودی سطح ۲ که نسبت به کل اندازه‌گیری بااهمیت است، در صورت استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بااهمیت، می‌تواند منجر به طبقه‌بندی اندازه‌گیری ارزش منصفانه در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه شود.

۸۵ بند ۳۵، استفاده از داده‌های ورودی سطح ۲ برای برخی داراییها و بدهیها را توضیح می‌دهد.

داده‌های ورودی سطح ۳

۸۶ داده‌های ورودی سطح ۳، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده مرتبط با دارایی یا بدهی هستند.

۸۷ برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده باید تا اندازه‌ای که داده‌های ورودی قابل مشاهده و مربوط در دسترس نباشند مورد استفاده قرار گیرند، مانند شرایطی که برای دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه‌گیری، فعالیت بازار محدود باشد. با وجود این، هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه تغییر نمی‌کند، یعنی قیمت خروجی در تاریخ اندازه‌گیری از دیدگاه یک فعال در بازار که دارایی را در اختیار دارد و یا در قبال بدهی متعهد است. بنابراین، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده باید مفروضاتی، شامل مفروضات مرتبط با ریسک، که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند را منعکس کند.

۸۸ مفروضات مرتبط با ریسک، شامل ریسک ذاتی تکنیک ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه (مانند مدل قیمت‌گذاری) و ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشیابی است. اگر فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی یکی از این ریسکها را در نظر بگیرند، اندازه‌گیری بدون تعدیل بابت ریسک، بیانگر ارزش منصفانه نخواهد بود. برای مثال، ممکن است در صورت وجود عدم اطمینان قابل ملاحظه در اندازه‌گیری، تعدیل بابت ریسک ضروری باشد (مانند زمانی که در حجم یا سطح فعالیت

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

بازار در مقایسه با فعالیت عادی بازار در مورد آن دارایی یا بدهی، یا داراییها یا بدهیهای مشابه، کاهش قابل ملاحظه وجود دارد و طبق بندهای ب ۳۷ تا ب ۴۷، واحد تجاری تشخیص می‌دهد که قیمت معامله یا قیمت اعلام‌شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست).

۸۹ واحد تجاری باید داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را با استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس در آن شرایط، که می‌تواند شامل داده‌های خود واحد تجاری باشد، ایجاد کند. برای ایجاد داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، واحد تجاری می‌تواند با داده‌های خود، کار را آغاز نماید، اما اگر اطلاعاتی که بطور معقول در دسترس است نشان دهد که سایر فعالان بازار از داده‌های متفاوتی استفاده می‌کنند یا مورد خاصی درباره واحد تجاری وجود دارد که سایر فعالان بازار از آن بی‌اطلاع هستند (مانند هم‌افزایی خاص واحد تجاری)، باید داده‌های مزبور را تعدیل کند. نیازی نیست که واحد تجاری برای کسب اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار، تلاش گسترده‌ای انجام دهد. با وجود این، واحد تجاری باید تمام اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار را که بطور معقول در دسترس است، در نظر بگیرد. داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده که به شیوه تشریح‌شده در بالا ایجاد می‌شود، به عنوان مفروضات فعالان بازار تلقی می‌شود و هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه را احراز می‌کند.

۹۰ بند ب ۳۶، استفاده از داده‌های ورودی سطح ۳ برای برخی داراییها و بدهیها را تشریح می‌کند.

افشا

۹۱ واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که در ارزیابی هر دو مورد زیر، به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی کمک کند:
الف. تکنیکهای ارزشیابی و داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری داراییها و بدهیهایی که پس از شناخت اولیه، بطور متناوب یا غیرمتناوب، در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود.
ب. در مورد اندازه‌گیری متناوب ارزش منصفانه با استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده با اهمیت (سطح ۳)، تأثیر اندازه‌گیری بر سود یا زیان دوره یا سایر اقلام سود و زیان جامع.

۹۲ برای دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۱، واحد تجاری باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. سطح جزئیات لازم برای رعایت الزامات افشا؛
ب. میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف؛
پ. میزان تجمع یا تفکیک مورد نیاز؛ و
ت. اینکه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، برای ارزیابی اطلاعات کمی افشا شده، به اطلاعات بیشتر نیاز دارند یا خیر.
اگر موارد افشا شده طبق این استاندارد و سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، برای دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۱ کافی نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتری را که برای دستیابی به آن اهداف ضروری است، افشا کند.

۹۳ به منظور دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۱، واحد تجاری باید برای هر یک از طبقات داراییها و بدهیها (برای کسب اطلاعات از نحوه تعیین طبقات مناسب داراییها و بدهیها، به بند ۹۴ مراجعه شود) که پس از شناخت اولیه، در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود (شامل اندازه‌گیریهای مبتنی بر ارزش منصفانه در دامنه کاربرد این استاندارد)، حداقل، اطلاعات زیر را افشا کند:

الف. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، اندازه‌گیری ارزش منصفانه در پایان دوره گزارشگری، و برای اندازه‌گیریهای غیرمتناوب ارزش منصفانه، دلایل اندازه‌گیری. اندازه‌گیری متناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، به مواردی اطلاق می‌شود که طبق سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در صورت وضعیت مالی پایان هر دوره گزارشگری الزامی یا مجاز است. اندازه‌گیری غیرمتناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، شامل مواردی است که سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در شرایط خاصی، اندازه‌گیری به ارزش منصفانه در صورت وضعیت مالی را الزامی یا مجاز می‌کنند (مانند زمانی که واحد تجاری طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۵ داراییهای نگهداری‌شده برای فروش و عملیات متوقف‌شده، دارایی نگهداری‌شده برای فروش را به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه‌گیری می‌کند، زیرا ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش دارایی، کمتر از مبلغ دفتری آن است).

ب. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، سطح طبقه‌بندی اندازه‌گیری ارزش منصفانه در سلسله مراتب ارزش منصفانه (سطح ۱، ۲ یا ۳).

پ. برای داراییها و بدهیهایی که در پایان دوره گزارشگری بطور متناوب به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، مبالغ هر گونه انتقال بین سطح ۱ و سطح ۲ سلسله مراتب ارزش منصفانه، دلایل انتقال و رویه واحد تجاری برای تعیین زمانی که فرض می‌شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند ۹۵ مراجعه شود). انتقال به هر سطح، باید جدا از انتقال از آن سطح، افشا و تشریح گردد.

- ت. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه که در سطح ۲ و سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده‌اند، شرحی از تکنیک یا تکنیکهای ارزشیابی و داده‌های ورودی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه. اگر تکنیک ارزشیابی تغییر کند (برای مثال، تغییر از رویکرد بازار به رویکرد درآمدی یا استفاده از تکنیک ارزشیابی دیگر)، واحد تجاری باید این تغییر و دلیل یا دلایل آن را افشا کند. برای اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده‌اند، واحد تجاری باید اطلاعات کمی درباره داده‌های ورودی با اهمیت غیرقابل مشاهده مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه را ارائه کند. اگر هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه توسط واحد تجاری، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده کمی ایجاد نشده باشد (مانند زمانی که واحد تجاری از قیمت معاملات گذشته یا اطلاعات قیمت‌گذاری اشخاص ثالث که تعدیل نشده است استفاده می‌کند)، واحد تجاری ملزم به ایجاد اطلاعات کمی برای مطابقت با این الزامات افشا نیست. با وجود این، هنگام ارائه این افشا، واحد تجاری نمی‌تواند داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده کمی را که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، با اهمیت و بطور معقول در دسترس واحد تجاری است، نادیده بگیرد.
- ث. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده است، صورت تطبیق مانده‌های ابتدا و پایان دوره، که تغییرات طی دوره قابل انتساب به موارد زیر را جداگانه افشا می‌کند:
۱. جمع سودها یا زیانهای شناسایی شده طی دوره در سود یا زیان دوره، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در سود یا زیان دوره که سودها یا زیانها در آن(ها) شناسایی می‌شود.
 ۲. جمع سودها یا زیانهای شناسایی شده طی دوره در سایر اقلام سود و زیان جامع، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در سایر اقلام سود و زیان جامع که در آن(ها)، سودها یا زیانها شناسایی می‌شود.
 ۳. خرید، فروش، انتشار و تسویه (هر یک از انواع تغییرات، جداگانه افشا می‌شود).
 ۴. مبالغ هرگونه انتقال به سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه یا هرگونه انتقال از آن سطح، دلایل این انتقالها و رویه واحد تجاری برای تعیین زمانی که فرض می‌شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند ۹۵ مراجعه شود). انتقال به سطح ۳ باید جدا از انتقال از سطح ۳ افشا و تشریح شود.
- ج. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود، مبلغ جمع سود یا زیان طی دوره در قسمت (ث)(۱)، مندرج در سود یا زیان دوره، که قابل انتساب به تغییر سودها یا زیانهای تحقق نیافته مربوط به داراییها و بدهیهای نگهداری شده در پایان دوره گزارشگری است، و قلم یا اقلام اصلی سود یا زیان دوره که سودها یا زیانهای تحقق نیافته مزبور در آن(ها) شناسایی می‌شود.
- چ. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود، شرحی از فرایندهای ارزشیابی مورد استفاده واحد تجاری (برای مثال، شامل نحوه تصمیم‌گیری واحد تجاری درباره رویه‌ها و تکنیکهای ارزشیابی آن و تجزیه و تحلیل تغییرات در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بین دوره‌های مختلف).
- ح. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده است:
۱. برای تمام این اندازه‌گیریها، شرحی از حساسیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه به تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، مشروط بر اینکه تغییر در آن داده‌های ورودی بطور قابل ملاحظه‌ای منجر به بیشتر یا کمتر شدن میزان ارزش منصفانه شود. اگر بین این داده‌های ورودی و سایر داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، ارتباط درونی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید شرحی از آن روابط درونی و نحوه کاهش یا تشدید اثر تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه را ارائه کند. برای انطباق با الزامات افشا، تشریح حساسیت به تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، باید حداقل شامل داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده افشاشده در انطباق با قسمت (ت) باشد.
 ۲. در مورد داراییها و بدهیهای مالی، اگر تغییر در یک یا چند داده ورودی غیرقابل مشاهده جهت انعکاس مفروضات دیگری که بطور معقول، محتمل است، منجر به تغییر قابل ملاحظه در ارزش منصفانه شود، واحد تجاری باید این موضوع را بیان کند و اثر آن تغییرات را افشا نماید. واحد تجاری باید نحوه محاسبه اثر یک تغییر جهت انعکاس مفروضات دیگری که بطور معقول محتمل است را افشا کند. برای این منظور، اهمیت باید با توجه به سود یا زیان دوره و مجموع داراییها یا مجموع بدهیها یا در صورت شناسایی تغییرات ارزش منصفانه در سایر اقلام سود و زیان جامع، نسبت به کل حقوق مالکانه مورد قضاوت قرار گیرد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

- خ. در صورتی که بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی با استفاده فعلی آن متفاوت باشد، واحد تجاری به منظور اندازه‌گیری متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، باید این موضوع و دلیل استفاده از دارایی غیرمالی به شیوه‌ای متفاوت از بیشترین و بهترین استفاده را افشا کند.
۹۴. واحد تجاری باید طبقات مناسب داراییها و بدهیها را بر مبنای موارد زیر تعیین کند:
- الف. ماهیت، ویژگیها و ریسکهای دارایی یا بدهی؛ و
- ب. سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندی می‌شود.
- برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه طبقه‌بندی‌شده در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه، ممکن است تعداد طبقات بیشتری ضرورت یابد، زیرا درجه عدم اطمینان و ذهنی بودن این اندازه‌گیریها بیشتر است. تعیین طبقات مناسب داراییها و بدهیها که در مورد اندازه‌گیری آنها به ارزش منصفانه باید افشا صورت گیرد، مستلزم قضاوت است. در اغلب مواقع، طبقات داراییها و بدهیها در مقایسه با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی، مستلزم تفکیک بیشتری است. با وجود این، واحد تجاری برای تطبیق با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی باید اطلاعات کافی را فراهم کند. اگر استاندارد دیگری، طبقه‌بندی یا بدهی را تعیین نماید، در صورتی که آن طبقه الزامات این بند را احراز کند، واحد تجاری می‌تواند برای ارائه الزامات افشای این استاندارد، از آن طبقه استفاده نماید.
۹۵. واحد تجاری باید طبق بند ۹۳(پ) و (ت)(۴)، رویه خود برای تعیین زمانی که فرض می‌شود انتقال بین سطوح سلسله مراتب ارزش منصفانه واقع شده است را افشا کند و در بکارگیری آن ثبات داشته باشد. رویه زمانبندی شناخت انتقالها، باید برای انتقال به سطوح مختلف و انتقال از سطوح مختلف یکسان باشد. مثالهایی در ارتباط با رویه‌های تعیین زمانبندی انتقالها، شامل موارد زیر است:
- الف. تاریخ رویداد یا تغییر در شرایطی که موجب انتقال شده است.
- ب. ابتدای دوره گزارشگری.
- پ. پایان دوره گزارشگری.
۹۶. اگر واحد تجاری، به منظور استفاده از استثنای مندرج در بند ۴۸، یک رویه حسابداری را انتخاب نماید، باید این موضوع را افشا کند.
۹۷. برای هر یک از طبقات داراییها و بدهیها که در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری نمی‌شود، اما ارزش منصفانه آن افشا می‌گردد، واحد تجاری باید اطلاعات الزامی طبق بند ۹۳(ب)، (ت) و (خ) را افشا کند. با وجود این، واحد تجاری ملزم به ارائه افشاهای کمی الزامی طبق بند ۹۳(ت) در خصوص داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده با اهمیت مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه طبقه‌بندی‌شده در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه نیست. برای چنین داراییها و بدهیهایی، ارائه سایر افشاهای الزامی طبق این استاندارد توسط واحد تجاری ضرورت ندارد.
۹۸. درخصوص بدهیهایی که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود و همراه با روشهای افزایش اعتبار جدانشدنی اشخاص ثالث منتشر می‌گردد، ناشر باید وجود روش افزایش اعتبار و انعکاس یا عدم انعکاس آن در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی را افشا کند.
۹۹. واحد تجاری باید اطلاعات کمی الزامی طبق این استاندارد را در جدول ارائه کند، مگر اینکه شکل دیگر ارائه مناسب‌تر باشد.

پیوست الف

اصطلاحات تعریف شده

این پیوست، بفش‌بدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است.

بازار فعال	بازاری که در آن، دفعات و حجم معاملات دارایی و بدهی برای ارائه مستمر اطلاعات قیمت‌گذاری کافی است.
رویکرد بهای تمام شده	یک تکنیک ارزشیابی که منعکس‌کننده مبلغی است که در حال حاضر برای جایگزین کردن ظرفیت خدمت‌رسانی یک دارایی (که اغلب بهای جایگزینی جاری نامیده می‌شود) الزامی است.
قیمت ورودی	قیمتی که در یک معامله مبادله‌ای، در ازای تحصیل یک دارایی، پرداخت یا بابت تقبل یک بدهی، دریافت می‌شود.
قیمت خروجی	قیمتی که در ازای فروش یک دارایی دریافت یا بابت انتقال یک بدهی پرداخت می‌شود.
جریانهای نقدی مورد انتظار	میانگین موزون (یعنی میانگین توزیع) جریانهای نقدی آتی محتمل.
ارزش منصفانه	قیمتی که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.
بیشترین و بهترین استفاده	استفاده از یک دارایی غیرمالی توسط فعالان بازار که ارزش دارایی یا گروه داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعالیت تجاری) که دارایی در آن قرار دارد را حداکثر می‌کند.
رویکرد درآمدی	تکنیکهای ارزشیابی که مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) را به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل‌شده) تبدیل می‌کند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه مبتنی بر ارزشی است که از طریق انتظارات فعلی بازار درباره مبالغ آتی تعیین می‌شود.
داده‌های ورودی	مفروضاتی، شامل مفروضات مرتبط با ریسک، که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند، مانند:
الف. ریسک ذاتی یک تکنیک ارزشیابی خاص که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار می‌گیرد (مانند مدل قیمت‌گذاری)؛ و	
ب. ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشیابی.	
داده‌های ورودی ممکن است قابل مشاهده یا غیرقابل مشاهده باشند.	
داده‌های ورودی سطح ۱	قیمتهای اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها یا بدهیهای یکسان که واحد تجاری می‌تواند در تاریخ اندازه‌گیری به آنها دسترسی داشته باشد.
داده‌های ورودی سطح ۲	داده‌های ورودی به غیر از قیمتهای اعلام‌شده در سطح ۱، که برای دارایی یا بدهی بطور مستقیم یا غیرمستقیم، قابل مشاهده باشد.
داده‌های ورودی سطح ۳	داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای دارایی یا بدهی.
رویکرد بازار	یک تکنیک ارزشیابی که در آن از قیمتها و سایر اطلاعات مربوط ایجادشده از طریق معاملات بازار درخصوص داراییهای یکسان یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای یکسان یا قابل مقایسه (یعنی مشابه) یا گروه داراییها و بدهیها، برای مثال یک فعالیت تجاری، استفاده می‌شود.
داده‌های ورودی مورد تأیید بازار	داده‌های ورودی که اساساً با استفاده از روش همبستگی یا سایر ابزارها از داده‌های قابل مشاهده بازار استخراج می‌شود یا توسط این داده‌ها تأیید می‌گردد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

فعالان بازار	خریداران و فروشندگان دارایی یا بدهی در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) که از تمام ویژگیهای زیر برخوردار هستند:
	الف. مستقل از یکدیگر می‌باشند، یعنی اشخاص وابسته طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۴ نیستند. اگرچه، قیمت معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به عنوان یک داده‌های ورودی در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد، مشروط بر اینکه واحد تجاری شواهدی داشته باشد که نشان دهد معامله با اشخاص وابسته مطابق شرایط بازار انجام شده است.
	ب. مطلع هستند و با استفاده از تمام اطلاعات در دسترس، از جمله اطلاعاتی که به دست آوردن آن ممکن است نیازمند تلاشی معمول و متعارف باشد، به درک معقولی از دارایی یا بدهی و معامله دست یافته‌اند.
	پ. توانایی انجام معامله دارایی یا بدهی را دارند.
	ت. مایل به انجام معامله دارایی یا بدهی هستند، یعنی برای انجام معامله انگیزه دارند اما مجبور به انجام آن نیستند.
باصرفه‌ترین بازار	بازاری که پس از در نظر گرفتن مخارج معامله و مخارج حمل، مبلغ قابل دریافت در ازای فروش دارایی را حداکثر یا مبلغ قابل پرداخت بابت انتقال بدهی را حداقل می‌کند.
ریسک عدم ایفای تعهد	ریسک عدم ایفای تعهدات توسط واحد تجاری. ریسک عدم ایفای تعهد، ریسک اعتباری خود واحد تجاری را شامل می‌شود، اما می‌تواند محدود به آن نباشد.
داده‌های ورودی قابل مشاهده	داده‌های ورودی که با استفاده از داده‌های بازار، مانند اطلاعات در دسترس عموم درباره رویدادها یا معاملات واقعی، ایجاد می‌شود و منعکس‌کننده مفروضاتی است که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند.
معامله متعارف	معامله‌ای که فرض می‌شود به منظور انجام فعالیت‌های بازاریابی معمول و متعارف برای معامله این گونه داراییها یا بدهیها، در دوره پیش از تاریخ اندازه‌گیری در معرض بازار قرار می‌گیرد. چنین معامله‌ای، اجباری نیست (مانند انحلال اجباری یا فروش در شرایط اضطراری).
بازار اصلی	بازاری با بیشترین حجم و سطح فعالیت برای دارایی یا بدهی.
صرف ریسک	جبران تحمل عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی یک دارایی یا بدهی که فعالان ریسک‌گریز بازار به دنبال آن هستند. به صرف ریسک، "تعديل ریسک" نیز اطلاق می‌شود.
مخارج معامله	مخارج فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) دارایی یا بدهی که بطور مستقیم قابل انتساب به واگذاری دارایی یا انتقال بدهی است و هر دو معیار زیر را احراز می‌کند: الف. بطور مستقیم از معامله مزبور ناشی می‌شود و برای انجام معامله ضروری است. ب. واحد تجاری تنها زمانی این مخارج را تحمل می‌کند که تصمیم به فروش دارایی یا انتقال بدهی گرفته باشد (مشابه مخارج فروش طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۵).
مخارج حمل	مخارجی که برای حمل دارایی از موقعیت مکانی فعلی به بازار اصلی آن (یا باصرفه‌ترین بازار) تحمل می‌شود.
واحد حساب	سطح تجمیع یا تفکیک دارایی یا بدهی برای مقاصد شناخت طبق یک استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی.
داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده	داده‌های ورودی که برای آن داده‌های بازار در دسترس نیست و با استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس درباره مفروضات مورد استفاده فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی ایجاد می‌شود.

پیوست ب

رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است. در این پیوست کاربرد بندهای ۱ تا ۹۹ تشریح می‌شود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

ب.۱. در وضعیتهای مختلف ارزشیابی، ممکن است قضاوتهای متفاوتی اعمال شود. در این پیوست قضاوتهایی تشریح می‌شود که واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه در وضعیتهای مختلف ارزشیابی، اعمال می‌کند.

رویکرد اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ب.۲. هدف از اندازه‌گیری ارزش منصفانه، برآورد قیمتی است که معامله‌ای متعارف برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار به آن قیمت انجام می‌شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه مستلزم تعیین تمام موارد زیر توسط واحد تجاری است:

- الف. دارایی یا بدهی خاصی که موضوع اندازه‌گیری است (مطابق با واحد حساب آن).
- ب. در مورد یک دارایی غیرمالی، پیش‌فرض ارزشیابی که برای اندازه‌گیری مناسب است (مطابق با بیشترین و بهترین استفاده).
- پ. بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) دارایی یا بدهی.
- ت. تکنیک (یا تکنیکهای) ارزشیابی مناسب برای اندازه‌گیری، با توجه به قابلیت دسترسی به داده‌های مورد استفاده برای ایجاد داده‌های ورودی که مفروضات مورد استفاده فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی و سطح سلسله مراتب ارزش منصفانه‌ای که داده‌های ورودی در آن سطح طبقه‌بندی می‌شوند را منعکس می‌کند.

پیش‌فرض ارزشیابی برای داراییهای غیرمالی (بندهای ۳۱ تا ۳۳)

ب.۳. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی غیرمالی که در ترکیب با سایر داراییها به عنوان گروه (پس از راه‌اندازی یا آماده‌سازی برای استفاده) یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعالیت تجاری) استفاده می‌شود، تأثیر پیش‌فرض ارزشیابی بستگی به شرایط دارد. برای مثال:

- الف. صرف‌نظر از اینکه دارایی بطور مستقل یا در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار گیرد، ارزش منصفانه دارایی می‌تواند یکسان باشد. این موضوع می‌تواند در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی، یک فعالیت تجاری باشد که فعالان بازار آن فعالیت را ادامه می‌دهند. در این مورد، معامله مستلزم ارزشیابی فعالیت تجاری، بطور کلی است. استفاده از داراییها به عنوان گروه در یک فعالیت تجاری مستمر موجب هم‌افزایی می‌شود که در دسترس فعالان بازار قرار خواهد گرفت (یعنی هم‌افزاییهای فعالان بازار، که باید بر ارزش منصفانه دارایی مستقل یا دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها، اثر بگذارد).
- ب. استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا سایر داراییها و بدهیها، ممکن است از طریق تعدیل ارزش دارایی که بطور مستقل مورد استفاده قرار می‌گیرد، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. برای مثال، دارایی مورد نظر یک دستگاه ماشین‌آلات است و اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن با استفاده از قیمت مشاهده‌شده ماشین‌آلات مشابه (که نصب یا به طریقی دیگر آماده استفاده نشده است)، پس از تعدیل بابت مخارج حمل و نصب انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، وضعیت و موقعیت مکانی فعلی ماشین‌آلات (نصب‌شده و آماده‌شده برای استفاده) را منعکس می‌کند.
- پ. استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها می‌تواند از طریق مفروضات مورد استفاده فعالان بازار برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. برای مثال، اگر دارایی، کالای در جریان ساخت خاصی است که فعالان بازار آن را به محصول نهایی تبدیل می‌کنند، در تعیین ارزش منصفانه موجودی کالا فرض می‌شود که فعالان بازار، ماشین‌آلات تخصصی لازم برای تبدیل کالای در جریان ساخت به محصول نهایی را تحصیل کرده‌اند یا تحصیل می‌کنند.
- ت. استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها، می‌تواند در تکنیک ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی لحاظ شود. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که از روش عایدات مازاد چنددوره‌ای برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی نامشهود استفاده می‌شود، زیرا در این تکنیک ارزشیابی، مشارکت هر گونه دارایی مکمل و بدهی مربوط در گروهی که از چنین دارایی نامشهودی استفاده می‌شود، بطور خاص در نظر گرفته می‌شود.

ث. در موارد محدودتر، در صورتی که واحد تجاری از دارایی موجود در گروه داراییها استفاده کند، می‌تواند با تخصیص ارزش منصفانه گروه داراییها به هر یک از داراییهای گروه، دارایی مزبور را به مبلغی نزدیک به ارزش منصفانه آن اندازه‌گیری کند. این مورد زمانی می‌تواند مصداق داشته باشد که ارزشیابی دربردارنده املاک باشد و ارزش منصفانه املاک بهسازی شده (یعنی گروه دارایی) به داراییهای تشکیل دهنده آن (مانند زمین و مستحقات) تخصیص یابد.

ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه (بندهای ۵۷ تا ۶۰)

ب۴. هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه با قیمت معامله برابر است یا خیر، واحد تجاری باید عوامل خاص معامله و عوامل خاص دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. برای مثال، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، قیمت معامله می‌تواند بیانگر ارزش منصفانه دارایی یا بدهی نباشد:

الف. معامله بین اشخاص وابسته انجام شده باشد، اگرچه در صورتی که واحد تجاری شواهدی مبنی بر انجام معامله طبق شرایط بازار داشته باشد، قیمت در معامله با اشخاص وابسته می‌تواند به عنوان یک داده ورودی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد.

ب. معامله به اجبار انجام شده باشد یا فروشنده مجبور به پذیرش قیمت معامله باشد. برای مثال، این موضوع زمانی می‌تواند مصداق داشته باشد که فروشنده دچار مشکلات مالی است.

پ. واحد حساب قیمت معامله با واحد حساب دارایی یا بدهی که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، متفاوت باشد. برای مثال، اگر دارایی یا بدهی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه، تنها یکی از عناصر معامله باشد (برای مثال، در یک ترکیب تجاری)، معامله دربردارنده حقوق و امتیازات اظهارنشده‌ای است که طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، جداگانه اندازه‌گیری می‌شود، یا قیمت معامله شامل مخارج معامله می‌باشد.

ت. بازاری که معامله در آن انجام می‌شود، متفاوت از بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) باشد. برای مثال، اگر واحد تجاری معامله‌گری باشد که در بازار خرده‌فروشی با مشتریان معامله می‌کند، اما بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) برای معامله خروجی با سایر معامله‌گران، بازار معامله‌گران باشد، در این صورت ممکن است این بازارها متفاوت باشند.

تکنیکهای ارزشیابی (بندهای ۶۱ تا ۶۶)

رویکرد بازار

ب۵. رویکرد بازار، از قیمت‌ها و سایر اطلاعات مربوط به دست آمده از معاملات بازار برای داراییهای یکسان و قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای یکسان و قابل مقایسه (یعنی مشابه)، یا گروه داراییها و بدهیها، مانند یک فعالیت تجاری، استفاده می‌کند.

ب۶. برای مثال، در تکنیکهای ارزشیابی سازگار با رویکرد بازار، اغلب از ضرایب بازار استفاده می‌شود که این ضرایب، از مجموعه‌ای از عوامل قابل مقایسه حاصل می‌گردد. این ضرایب ممکن است برای هر عامل قابل مقایسه متفاوت باشد و دامنه‌ای از ضرایب به وجود آید. انتخاب ضریب مناسب در دامنه‌ای از ضرایب، مستلزم قضاوت، در نظر گرفتن عوامل کیفی و کمی مختص اندازه‌گیری است.

ب۷. قیمت‌گذاری ماتریسی، یکی از تکنیکهای ارزشیابی سازگار با رویکرد بازار است. قیمت‌گذاری ماتریسی، یک تکنیک ریاضی است که بدون اتکال محض بر قیمت‌های اعلام شده اوراق بهادار خاص، با اتکا بر رابطه اوراق بهادار با سایر اوراق بهادار مبنا که دارای قیمت اعلام شده است، اساساً برای ارزشیابی برخی انواع ابزارهای مالی، مانند اوراق بدهی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رویکرد بهای تمام شده

ب۸. رویکرد بهای تمام شده، مبلغی را منعکس می‌کند که در حال حاضر، برای جایگزینی ظرفیت خدمت‌رسانی دارایی (که اغلب به آن بهای جایگزینی جاری گفته می‌شود) لازم است.

ب۹. از دیدگاه فروشنده فعال در بازار، قیمتی که در ازای یک دارایی دریافت می‌شود، مبتنی بر بهایی است که خریدار فعال در بازار، برای تحصیل یا ساخت دارایی جایگزین با مطلوبیت مشابه، پس از تعدیل بابت نابایی می‌پردازد. دلیل این موضوع آن است که خریدار فعال در بازار، حاضر به پرداخت مبلغی بیش از مبلغ جایگزینی ظرفیت خدمت‌رسانی آن دارایی نمی‌باشد. نابایی شامل نابایی فیزیکی، نابایی کارکردی (فناوری) و نابایی اقتصادی (برون‌سازمانی) است و فراتر از استهلاک برای مقاصد گزارشگری مالی (تخصیص بهای تمام شده تاریخی) یا مقاصد مالیاتی (استفاده از عمر خدمت‌رسانی معین) می‌باشد. در بسیاری از موارد، روش بهای جایگزینی جاری برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییهای مشهودی بکار می‌رود که در ترکیب با سایر داراییها یا سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رویکرد درآمدی

- ب ۱۰. در رویکرد درآمدی، مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل شده) تبدیل می‌شود. در صورت استفاده از رویکرد درآمدی، اندازه‌گیری ارزش منصفانه، انتظارات فعلی بازار از آن مبالغ آتی را منعکس می‌کند.
- ب ۱۱. برای مثال، این تکنیکهای ارزشیابی شامل موارد زیر می‌باشد:
- الف. تکنیکهای ارزش فعلی (به بندهای ب ۱۲ تا ب ۳۰ مراجعه شود)؛
- ب. مدل‌های قیمت‌گذاری اختیار معامله، نظیر فرمول بلک-شولز-مرتین یا مدل دوجمله‌ای (یعنی مدل شبکه)، که در آن از تکنیکهای ارزش فعلی استفاده می‌شود و ارزش زمانی و ارزش ذاتی اختیار معامله را منعکس می‌کند؛ و
- پ. روش عایدات مازاد چنددوره‌ای که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه برخی داراییهای نامشهود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تکنیکهای ارزش فعلی

- ب ۱۲. بندهای ب ۱۳ تا ب ۳۰، استفاده از روشهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه را تشریح می‌کنند. در این بندها، بر روش تعدیل نرخ تنزیل و روش جریانهای نقدی مورد انتظار (ارزش فعلی مورد انتظار) تأکید می‌شود. بندهای مورد اشاره، استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی خاص را تجویز نمی‌کند و استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه را به تکنیکهای اشاره شده، محدود نمی‌نماید. تکنیک ارزش فعلی استفاده شده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به واقعیتها و شرایط خاص دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری (برای مثال، اینکه قیمت داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه، در بازار قابل مشاهده است یا خیر) و دسترسی به داده‌های کافی بستگی دارد.

اجزای اندازه‌گیری ارزش فعلی

- ب ۱۳. ارزش فعلی (یعنی بکارگیری روش درآمدی)، ابزاری است که برای مرتبط کردن مبالغ آتی (مانند جریانها یا ارزشهای نقدی) به مبلغ فعلی با استفاده از نرخ تنزیل، بکار می‌رود. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی یا بدهی با استفاده از تکنیک ارزش فعلی، تمام عناصر زیر از دیدگاه فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود:
- الف. برآورد جریانهای نقدی آتی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری.
- ب. انتظارات درباره نوسان احتمالی مبلغ و زمانبندی جریانهای نقدی که منعکس‌کننده عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی است.
- پ. ارزش زمانی پول، که به وسیله نرخ داراییهای پولی بدون ریسک که تاریخ سررسید یا مدت آنها با دوره جریانهای نقدی مطابقت دارد و برای دارنده آن، عدم اطمینان در زمانبندی و ریسک نکول وجود ندارد، نشان داده می‌شود (یعنی نرخ بهره بدون ریسک).
- ت. قیمت تحمل عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی (یعنی صرف ریسک).
- ث. سایر عواملی که فعالان بازار در آن شرایط در نظر می‌گیرند.
- ج. در مورد بدهی، ریسک عم ایفای تعهد مربوط به آن بدهی، شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری (یعنی ریسک بدهکاران).

اصول کلی

- ب ۱۴. تکنیکهای ارزش فعلی، در نحوه بکارگیری عناصر مندرج در بند ب ۱۳، متفاوت هستند. با وجود این، تمام اصول کلی زیر، در بکارگیری روشهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه حاکم است:
- الف. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید مفروضاتی را منعکس کند که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند.
- ب. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید تنها عوامل قابل انتساب به دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری را در نظر بگیرد.
- پ. برای اجتناب از احتساب مضاعف یا حذف آثار عوامل ریسک، نرخهای تنزیل باید مفروضاتی را منعکس کند که با عوامل ذاتی جریانهای نقدی سازگار است. برای مثال، نرخ تنزیلی که منعکس‌کننده عدم اطمینان نسبت به انتظارات مرتبط با نکولهای آتی است، در صورت استفاده از جریانهای نقدی قراردادی وام مناسب است (یعنی روش تعدیل نرخ تنزیل). در صورت استفاده از جریانهای نقدی مورد انتظار (یعنی احتمالات موزون) (یعنی تکنیکهای ارزش فعلی مورد انتظار)، نباید از همان نرخ استفاده کرد زیرا جریانهای نقدی مورد انتظار، همواره شامل مفروضاتی درباره عدم اطمینان در نکولهای آتی است؛ در مقابل، باید از نرخ تنزیلی استفاده کرد که با ریسک ذاتی جریانهای نقدی مورد انتظار، متناسب است.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ت. مفروضات مرتبط با جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید بطور ذاتی، با یکدیگر سازگاری درونی داشته باشند. برای مثال، جریانهای نقدی اسمی که اثر تورم در آنها وجود دارد، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم در آن لحاظ شده است. نرخ بهره اسمی بدون ریسک، شامل آثار تورم می‌باشد. جریانهای نقدی واقعی، که شامل آثار تورم نیست، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم را در بر نداشته باشد. همچنین، جریانهای نقدی پس از مالیات باید با استفاده از نرخ تنزیل پس از مالیات تنزیل شود. جریانهای نقدی پیش از مالیات باید با نرخی تنزیل شود که با آن جریانهای نقدی سازگار است.

ث. نرخهای تنزیل باید با عوامل اساسی اقتصادی واحد پولی که جریانهای نقدی برحسب آن بیان می‌شود، سازگار باشد.

ریسک و عدم اطمینان

۱۵. ب. اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی، در شرایط عدم اطمینان انجام می‌شود زیرا جریانهای نقدی مورد استفاده، به جای آنکه مبالغ واقعی باشند، مبالغ برآوردی هستند. در بسیاری از موارد، مبلغ و زمانبندی جریانهای نقدی نامطمئن است. حتی مبالغ ثابت قراردادی، مانند پرداختهای مربوط به وام، در صورت وجود ریسک نکول، از عدم اطمینان برخوردار است.
۱۶. ب. فعالان بازار معمولاً در پی جبران (یعنی صرف ریسک) تحمل عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی دارایی یا بدهی هستند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید شامل صرف ریسکی باشد که منعکس‌کننده مبلغ مورد تقاضای فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی می‌باشد. در غیر این صورت، اندازه‌گیری ارزش منصفانه را بطور صادقانه بیان نخواهد کرد. در برخی موارد، محاسبه صرف ریسک مناسب ممکن است دشوار باشد. با وجود این، درجه دشواری، به تنهایی دلیل کافی برای نادیده گرفتن صرف ریسک نیست.
۱۷. ب. الف. تکنیکهای ارزش فعلی، در نحوه تعدیل بابت ریسک و نوع جریانهای نقدی مورد استفاده، با یکدیگر تفاوت دارند. برای مثال: در روش تعدیل نرخ تنزیل (به بندهای ۱۸ تا ۲۲ مراجعه شود) از نرخ تنزیل تعدیل‌شده بابت ریسک و جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل‌ترین جریانهای نقدی استفاده می‌شود.
- ب. شیوه اول تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ۲۵ مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک و نرخ بدون ریسک استفاده می‌کند.
- پ. شیوه دوم تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ۲۶ مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌نشده بابت ریسک و نرخ تنزیل تعدیل‌شده‌ای که صرف ریسک مورد درخواست فعالان بازار را دربردارد، استفاده می‌کند. این نرخ، با نرخ مورد استفاده در روش تعدیل نرخ تنزیل، تفاوت دارد.

روش تعدیل نرخ تنزیل

۱۸. ب. در روش تعدیل نرخ تنزیل، از مجموعه واحدی از جریانهای نقدی که در دامنه‌ای از مبالغ برآوردی احتمالی قرار می‌گیرد، اعم از جریانهای نقدی تعهدشده یا قراردادی (مانند جریانهای نقدی مرتبط با اوراق قرضه) یا محتمل‌ترین جریانهای نقدی استفاده می‌شود. در تمام موارد، این جریانهای نقدی مشروط به وقوع رویدادهای خاصی است (برای مثال، جریانهای نقدی قراردادی یا تعهدشده برای اوراق قرضه، مشروط به عدم نکول توسط بدهکاران است). نرخ تنزیل مورد استفاده در روش تعدیل نرخ تنزیل، از نرخهای بازده مشاهده‌شده برای داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه که در بازار معامله می‌شوند، ناشی می‌شود. همچنین، جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل‌ترین جریانهای نقدی، با نرخ بازار مشاهده‌شده یا نرخ برآوردی این جریانهای نقدی مشروط تنزیل می‌شوند (یعنی نرخ بازده بازار).
۱۹. ب. روش تعدیل نرخ تنزیل، مستلزم تجزیه و تحلیل داده‌های بازار مربوط به داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه است. قابلیت مقایسه، با توجه به ماهیت جریانهای نقدی (برای مثال اینکه جریانهای نقدی، قراردادی یا غیرقراردادی است و اینکه در مقابل تغییر شرایط اقتصادی، واکنش مشابه دارند یا خیر)، و نیز سایر عوامل (مانند وضعیت اعتباری، وثیقه، مدت، شرایط محدودکننده و نقدشوندگی) تعیین می‌شود. در مقابل، اگر تنها یک دارایی یا بدهی قابل مقایسه، ریسک ذاتی جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری را به نحو مطلوب منعکس نکند، می‌توان با استفاده از داده‌های چندین دارایی یا بدهی قابل مقایسه مرتبط با منحنی بازده بدون ریسک (یعنی استفاده از رویکرد "تجمعی") نرخ تنزیل را به دست آورد.

- ب ۲۰. برای تشریح رویکرد تجمیعی، فرض کنید دارایی الف، حق قراردادی نسبت به دریافت ۸۰۰ واحد پول^۱ در یک سال دارد (یعنی عدم اطمینان در زمانبندی وجود ندارد). بازار سازمان‌یافته‌ای برای داراییهای قابل مقایسه وجود دارد و اطلاعات درباره این داراییها، شامل اطلاعات قیمت، در دسترس است. اطلاعات زیر در مورد داراییهای قابل مقایسه وجود دارد:
- الف. دارایی ب، حق قراردادی نسبت به دریافت ۱۲۰۰ واحد پول در یک سال دارد و قیمت بازار آن ۱۰۸۳ واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده یکساله در بازار) ۱۰/۸ درصد [۱ - (۱۰۸۳ / ۱۲۰۰) واحد پول ÷ ۱۲۰۰] می‌باشد.
- ب. دارایی پ، حق قراردادی نسبت به دریافت ۷۰۰ واحد پول در دو سال دارد و قیمت بازار آن ۵۶۶ واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده دوساله در بازار) ۱۱/۲ درصد [۱ - (۵۶۶ / ۷۰۰) واحد پول ÷ ۷۰۰] می‌باشد.
- پ. هر سه دارایی از نظر ریسک (یعنی پراکندگی اعتبار و بازده احتمالی) قابل مقایسه هستند.
- ب ۲۱. بر مبنای زمانبندی مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف نسبت به زمانبندی مربوط به دارایی ب و دارایی پ (یعنی یک سال برای دارایی ب در مقابل دو سال برای دارایی پ)، فرض می‌شود دارایی ب قابلیت مقایسه بیشتری با دارایی الف دارد. با استفاده از مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف (۸۰۰ واحد پول) و نرخ یکساله بازار دارایی ب (۱۰/۸ درصد)، ارزش منصفانه دارایی الف ۷۲۲ واحد پول (۸۰۰ ÷ ۱/۱۰۸) است. به عنوان راهکار جایگزین، در نبود اطلاعات بازار در دسترس برای دارایی ب، نرخ یکساله بازار را می‌توان از دارایی پ و با استفاده از رویکرد تجمیعی به دست آورد. در این مورد، نرخ دوساله بازار مربوط به دارایی پ (۱۱/۲ درصد)، با استفاده از ساختار زمانی منحنی بازده بدون ریسک، تعدیل می‌شود تا به نرخ یکساله بازار برسد. ممکن است برای تعیین یکسان بودن صرف ریسک داراییهای یکساله و دوساله، اطلاعات و تجزیه و تحلیل بیشتری مورد نیاز باشد. اگر مشخص شود صرف ریسک داراییهای یکساله و دوساله یکسان نیست، نرخ بازده دوساله بازار بابت این موضوع نیاز به تعدیل بیشتری خواهد داشت.
- ب ۲۲. زمانی که برای دریافتها یا پرداختهای ثابت، روش تعدیل نرخ تنزیل بکار گرفته می‌شود، تعدیل بابت ریسک ذاتی جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری، در نرخ تنزیل اعمال می‌شود. در برخی کاربردهای روش تعدیل نرخ تنزیل برای جریانهای نقدی که دریافتها یا پرداختهای ثابت نمی‌باشند، ممکن است تعدیل جریانهای نقدی به منظور دستیابی به قابلیت مقایسه با دارایی یا بدهی مشاهده‌شده که نرخ تنزیل بر مبنای آن محاسبه شده است، ضروری باشد.
- روش ارزش فعلی مورد انتظار**
- ب ۲۳. در تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، مجموعه‌ای از جریانهای نقدی که بیانگر میانگین موزون تمام جریانهای نقدی آتی احتمالی (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار) است، به عنوان نقطه شروع مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر آورد حاصل، با ارزش مورد انتظار که از نظر آماری میانگین موزون مقادیر احتمالی متغیر گسسته تصادفی بوده که با احتمالات متناظر با آنها موزون شده است، برابر می‌باشد. از آنجا که تمام جریانهای نقدی احتمالی بر اساس احتمالات موزون می‌شود، جریانهای نقدی مورد انتظار حاصل، مشروط به وقوع هیچ رویداد خاصی نیست (برخلاف جریانهای نقدی مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل).
- ب ۲۴. فعالان ریسک‌گریز بازار، هنگام تصمیم‌گیری، ریسک تفاوت میان جریانهای نقدی واقعی و جریانهای نقدی مورد انتظار را در نظر می‌گیرند. تئوری پرتفوی بین این دو نوع ریسک تمایز قائل می‌شود:
- الف. ریسک غیرسیستماتیک (تنوع‌پذیر) که ریسک مختص یک دارایی یا بدهی مشخص است.
- ب. ریسک سیستماتیک (تنوع‌ناپذیر) که ریسک مشترک میان دارایی یا بدهی و سایر اقسام موجود در یک پرتفوی متنوع است.
- طبق تئوری پرتفوی، در یک بازار تعادلی، فعالان بازار تنها بابت تحمل ریسک سیستماتیک ذاتی جریانهای نقدی، پاداش دریافت می‌کنند (در بازار ناکارا یا غیرتعادلی، سایر اشکال بازده یا پاداش ممکن است وجود داشته باشد).
- ب ۲۵. در شیوه ۱ تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، جریانهای نقدی مورد انتظار دارایی، از طریق کسر کردن صرف ریسک نقدی (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک) بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می‌شود. جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک، بیانگر جریان نقدی معادل قطعی است که با نرخ بهره بدون ریسک تنزیل می‌شود. منظور از جریان نقدی معادل قطعی، جریان نقدی مورد انتظاری (طبق تعریف) است که به گونه‌ای بابت ریسک تعدیل شده است که فعال بازار برای مبادله بین جریان نقدی قطعی و جریان نقدی مورد انتظار بی تفاوت می‌شود. برای مثال، اگر فعال بازار بخواهد جریان نقدی مورد انتظار معادل ۱۲۰۰ واحد پول را با جریان نقدی قطعی معادل ۱۲۰۰ واحد

۱. در این استاندارد، مبالغ پولی به صورت "واحد پول" بیان می‌شود.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

پول مبادله کند، جریان نقدی معادل قطعی آن ۱۲۰۰ واحد پول، ۱۰۰۰ واحد پول می‌باشد (یعنی ۲۰۰ واحد پول، بیانگر صرف ریسک نقدی است). در این حالت، فعال بازار نسبت به دارایی نگهداری شده، بی تفاوت است.

ب۲۶. در مقابل، در شیوه ۲ تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، تعدیل بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) از طریق افزودن صرف ریسک به نرخ بهره بدون ریسک صورت می‌گیرد. به این ترتیب، جریانهای نقدی مورد انتظار با نرخ‌ی تنزیل می‌شود که با نرخ مورد انتظار مرتبط با جریانهای نقدی موزون‌شده بر مبنای احتمال (یعنی نرخ بازده مورد انتظار)، مطابقت دارد. برای برآورد نرخ بازده مورد انتظار، می‌توان از مدل‌های مرتبط با قیمت‌گذاری داراییهای ریسکی، مانند مدل قیمت‌گذاری داراییهای سرمایه‌ای، استفاده کرد. از آنجا که نرخ تنزیل مورد استفاده در روش تعدیل نرخ تنزیل، نرخ بازده مرتبط با جریانهای نقدی مشروط است، احتمالاً این نرخ از نرخ تنزیل مورد استفاده در شیوه دوم تکنیک ارزش فعلی که نرخ بازده مورد انتظار مرتبط با میانگین موزون جریانهای نقدی یا جریانهای نقدی مورد انتظار است، بیشتر می‌باشد.

ب۲۷. به منظور تشریح شیوه‌های ۱ و ۲، فرض کنید جریانهای نقدی مورد انتظار دارایی در یک سال ۷۸۰ واحد پول می‌باشد که بر اساس جریانهای نقدی احتمالی و احتمالات زیر تعیین شده است. نرخ بهره بدون ریسک یکساله برای جریانهای نقدی، ۵ درصد و صرف ریسک سیستماتیک برای دارایی با ریسک مشابه، ۳ درصد است.

جریانهای نقدی احتمالی	احتمال	جریانهای نقدی موزون‌شده بر مبنای احتمالات
۵۰۰ واحد پول	۱۵٪	۷۵ واحد پول
۸۰۰ واحد پول	۶۰٪	۴۸۰ واحد پول
۹۰۰ واحد پول	۲۵٪	۲۲۵ واحد پول
جریانهای نقدی مورد انتظار		۷۸۰ واحد پول

ب۲۸. در این مثال تشریحی ساده، جریانهای نقدی مورد انتظار (۷۸۰ واحد پول)، میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات را برای سه نتیجه محتمل نشان می‌دهد. در شرایط واقع‌بینانه‌تر، ممکن است نتایج محتمل بسیاری وجود داشته باشد. اما به منظور بکارگیری تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، لزومی ندارد که همواره توزیع تمام جریانهای نقدی محتمل با استفاده از مدل‌ها و روشهای پیچیده به حساب گرفته شود. بلکه می‌توان تعداد محدودی از سناریوها و احتمالات مجزا را که دربرگیرنده جریانهای نقدی احتمالی است، مورد استفاده قرار داد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است از جریانهای نقدی تحقق‌یافته در برخی دوره‌های گذشته، استفاده نماید و آن را بابت تغییرات بعدی در شرایط تعدیل کند (برای مثال، تغییر در عوامل برون‌سازمانی، شامل شرایط اقتصادی یا بازار، روندهای صنعت و رقابت و نیز تغییرات در عوامل درون‌سازمانی که واحد تجاری را بطور خاص تحت تأثیر قرار می‌دهد) و مفروضات فعالان بازار را در نظر بگیرد.

ب۲۹. به لحاظ نظری، ارزش فعلی (یعنی ارزش منصفانه) جریانهای نقدی دارایی، صرف‌نظر از اینکه شیوه ۱ یا شیوه ۲ مورد استفاده قرار گرفته باشد، یکسان است، زیرا:

الف. با استفاده از شیوه ۱، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می‌شود. در نبود داده‌های بازار که بطور مستقیم میزان تعدیل ریسک را نشان می‌دهد، چنین تعدیلی را می‌توان از مدل قیمت‌گذاری داراییها و با استفاده از مفهوم معادل‌های قطعی به دست آورد. برای مثال، تعدیل ریسک (یعنی صرف ریسک نقدی معادل ۲۲ واحد پول) با استفاده از صرف ریسک سیستماتیک ۳ درصدی $\left[\left(\frac{1}{1.08} \div \frac{1}{1.05} \right) \times 780 \right]$ - ۷۸۰ واحد پول - ۷۸۰ واحد پول قابل تعیین است، که منجر به جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک به میزان ۷۵۸ واحد پول (۲۲ واحد پول - ۷۸۰ واحد پول) می‌شود. ۷۵۸ واحد پول، معادل قطعی ۷۸۰ واحد پول است که با نرخ بهره بدون ریسک (۵ درصد) تنزیل می‌شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی، ۷۲۲ واحد پول $(758 \div 1.05)$ است.

ب. با استفاده از شیوه ۲، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یا ریسک بازار) تعدیل نمی‌شود. بلکه تعدیل بابت آن ریسک در نرخ تنزیل منظور می‌گردد. بنابراین، جریانهای نقدی مورد انتظار، با نرخ بازده مورد انتظار ۸ درصد (یعنی ۵ درصد نرخ بهره بدون ریسک به علاوه ۳ درصد صرف ریسک سیستماتیک) تنزیل می‌شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی ۷۲۲ واحد پول است $(780 \div 1.08)$.

ب۳۰. هنگام استفاده از تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، هر یک از شیوه‌های ۱ و ۲ را می‌توان بکار گرفت. انتخاب شیوه ۱ یا شیوه ۲، به واقعیتها و شرایط خاص دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری، در دسترس بودن داده‌های کافی و قضاوت‌های انجام‌شده بستگی دارد.

بکارگیری تکنیکهای ارزش فعلی برای بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، که توسط طرفین دیگر به عنوان دارایی نگهداری نمی‌شود (بندهای ۴۰ و ۴۱)

ب ۳۱. در صورت استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری نمی‌شود (برای مثال، بدهی مربوط به پرچیدن تأسیسات)، واحد تجاری باید جریانهای نقدی خروجی آتی مورد انتظار فعالان بازار برای ایفای آن تعهد را برآورد کند. این جریانهای نقدی خروجی آتی باید انتظارات فعالان بازار از مخارج ایفای تعهد و مابه‌ازایی که بابت ایفای این تعهد مطالبه می‌کنند، را منعکس کند. چنین مابه‌ازایی شامل بازدهی است که فعالان بازار بابت موارد زیر مطالبه می‌کنند:

الف. بر عهده گرفتن فعالیت (یعنی ارزش ایفای تعهد؛ برای مثال، با استفاده از منابعی که می‌توانست در فعالیتهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد)؛ و

ب. پذیرش ریسک مربوط به تعهد (یعنی صرف ریسکی که ریسک متفاوت بودن جریانهای نقدی خروجی واقعی و جریانهای نقدی خروجی مورد انتظار را منعکس می‌کند؛ به بند ب ۳۳ مراجعه شود).

ب ۳۲. برای مثال، بدهی غیرمالی، از نرخ بازده قراردادی برخوردار نیست و برای آن بدهی، بازده بازار قابل مشاهده وجود ندارد. در بعضی از موارد، اجزای بازدهی که فعالان بازار مطالبه می‌کنند، قابل تفکیک از یکدیگر نمی‌باشد (برای مثال، هنگامی که پیمانکار شخص ثالث، بر مبنای حق الزحمه ثابت قیمت را محاسبه می‌کند). در سایر موارد، برآورد جداگانه آن اجزا توسط واحد تجاری ضرورت می‌یابد (برای مثال، هنگامی که پیمانکار شخص ثالث، بر مبنای بهای تمام شده به اضافه چند درصد، قیمت را محاسبه می‌کند زیرا در این حالت، پیمانکار ریسک تغییرات آتی در مخارج را تحمل نخواهد کرد).

ب ۳۳. واحد تجاری می‌تواند به یکی از روشهای زیر، صرف ریسک را در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری که توسط طرف دیگر به عنوان دارایی نگهداری نمی‌شود، منظور نماید:

الف. از طریق تعدیل جریانهای نقدی (یعنی افزایش در مبلغ جریانهای نقدی خروجی)؛ یا

ب. از طریق تعدیل نرخ مورد استفاده برای تنزیل جریانهای نقدی آتی به ارزش فعلی آنها (یعنی کاهش نرخ تنزیل).

واحد تجاری باید اطمینان یابد که تعدیلات بابت ریسک، مضاعف به حساب گرفته نشود یا حذف نگردد. برای مثال، اگر جریانهای نقدی برآوردی بابت احتساب مابه‌ازای ریسک مربوط به تعهد افزایش می‌یابد، نرخ تنزیل نباید برای انعکاس آن ریسک تعدیل شود.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی (بندهای ۶۷ تا ۷۱)

ب ۳۴. نمونه بازارهایی که داده‌های ورودی آن در مورد برخی داراییها و بدهیها (مانند ابزارهای مالی) قابل مشاهده است، شامل موارد زیر می‌باشد:

الف. بازارهای بورس. در بازار بورس، قیمت‌های پایانی به آسانی در دسترس است و عموماً بیانگر ارزش منصفانه می‌باشد. بورس اوراق بهادار لندن، مثالی از بازارهای بورس است.

ب. بازارهای معامله‌گران. در بازار معامله‌گران، معامله‌گرها آماده انجام معامله هستند (خرید یا فروش به حساب خود) و با فراهم آوردن نقدینگی از محل سرمایه خود، مجموعه اقلامی را برای بازسازی نگهداری می‌کنند. معمولاً قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش (که به ترتیب، بیانگر قیمتی است که معامله‌گر، مایل به خرید به آن قیمت است و قیمتی که معامله‌گر، مایل به فروش به آن قیمت است) نسبت به قیمت‌های پایانی با سهولت بیشتری در دسترس است. بازار فرابورس (که در آنها قیمت‌ها به صورت عمومی گزارش می‌شود) نوعی بازار معامله‌گران محسوب می‌شود. بازارهای معامله‌گران در مورد برخی از سایر داراییها و بدهیها، شامل بعضی از ابزارهای مالی، کالاها و داراییهای فیزیکی (مانند تجهیزات دست دوم) نیز وجود دارد.

پ. بازارهای کارگزاری. در بازار کارگزاری، کارگزاران تلاش می‌کنند تا بین خریداران و فروشندگان ارتباط برقرار کنند، اما برای خود معامله نمی‌کنند. به عبارت دیگر، کارگزاران سرمایه شخصی خود را برای نگهداری اقلامی که برای آن بازارسازی می‌کنند، بکار نمی‌گیرند. کارگزار، از قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش طرفین معامله مطلع است، اما معمولاً طرفین معامله از قیمت‌های مورد نظر یکدیگر بی‌اطلاع هستند. قیمت معاملات انجام شده، برخی مواقع در دسترس است. نمونه بازارهای کارگزاری، شامل شبکه‌های ارتباط الکترونیکی که در آن سفارشهای خرید و فروش با یکدیگر تطبیق داده می‌شود و بازارهای املاک تجاری و مسکونی است.

ت. بازارهای بدون واسطه. در بازار بدون واسطه، معاملات اولیه و فروشهای مجدد، به صورت مستقل و بدون واسطه مورد مذاکره قرار می‌گیرد. اطلاعات اندکی درباره این معاملات در دسترس عموم است.

سلسله مراتب ارزش منصفانه (بندهای ۷۲ تا ۹۰)

داده‌های ورودی سطح ۲ (بندهای ۸۱ تا ۸۵)

- ب. ۳۵. نمونه داده‌های ورودی سطح ۲ برای برخی داراییها و بدهیها، شامل موارد زیر است:
- الف. سوابق نرخ بهره دریافت ثابت، پرداخت متغیر بر مبنای نرخ سوابق مبتنی بر نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (لیبور)، نرخ سوابق لیبور در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌شود که در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، تقریباً برای کل دوره سوابق قابل مشاهده باشد.
- ب. سوابق نرخ بهره دریافت ثابت، پرداخت متغیر بر مبنای منحنی بازده تعیین شده بر حسب ارزش. نرخ سوابق مبتنی بر منحنی بازده تعیین شده بر حسب ارزش، در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌شود که در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، تقریباً برای کل دوره سوابق قابل مشاهده باشد. این مورد در صورتی مصداق دارد که دوره سوابق ۱۰ سال باشد و نرخ سوابق در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای ۹ سال قابل مشاهده باشد، مشروط بر اینکه هر گونه استنباط معقول از منحنی بازده طی ۱۰ سال در اندازه‌گیری ارزش منصفانه کل سوابق، با اهمیت نباشد.
- پ. سوابق نرخ بهره دریافت ثابت، پرداخت متغیر بر مبنای نرخ پایه یک بانک خاص. نرخ پایه بانک ناشی از استنباط، در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌شود که ارزشهای استنباط شده، به وسیله داده‌های قابل مشاهده بازار، برای مثال، از طریق همبستگی با نرخ بهره قابل مشاهده در بخش عمده‌ای از کل دوره سوابق، تأیید شود.
- ت. اختیار معامله سه ساله سهام قابل معامله در بورس. در صورت وجود هر دو شرط زیر، نوسان ضمنی سهامی که از طریق استنباط تا سال سوم استخراج می‌شود، یک داده ورودی سطح ۲ است:
۱. قیمت اختیار معامله یکساله و دوساله سهام، قابل مشاهده باشد.
 ۲. نوسان ضمنی استنباط شده اختیار معامله سه ساله، از طریق داده‌های قابل مشاهده بازار برای بخش عمده کل مدت اختیار معامله تأیید شود.
- در این حالت، نوسان ضمنی از طریق استنباط از نوسانهای ضمنی اختیار معامله یکساله و دوساله سهام، تعیین و به وسیله نوسان ضمنی اختیار معامله سه ساله سهام واحدهای تجاری قابل مقایسه تأیید می‌شود، مشروط بر اینکه که با نوسانهای ضمنی یک ساله و دوساله همبستگی داشته باشد.
- ث. توافق حق امتیاز. در توافق حق امتیاز که در ترکیب تجاری تحصیل شده است و اخیراً در مورد آن از جانب واحد تجاری تحصیل شده (طرف توافق حق امتیاز) با یک شخص غیروابسته مذاکره شده است، یک داده ورودی سطح ۲، نرخ حق امتیاز در قرارداد با شخص غیروابسته در شروع توافق می‌باشد.
- ج. موجودی کالای فروشگاه خرده‌فروشی. در مورد موجودی کالای تحصیل شده در ترکیب تجاری، داده ورودی سطح ۲ می‌تواند قیمت برای مشتریان در بازار خرده‌فروشی یا قیمت برای خرده‌فروشان در بازار عمده‌فروشی باشد که بابت تفاوت در شرایط و موقعیت مکانی قلم موجودی و اقلام موجودی قابل مقایسه (یعنی مشابه)، تعدیل شده است به گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، منعکس کننده قیمت قابل دریافت در معامله فروش موجودی به خرده‌فروش دیگری است که اقدامات لازم برای فروش را انجام می‌دهد. از نظر مفهومی، صرف نظر از اینکه تعدیلات در قیمت خرده‌فروشی (رو به پایین) یا در قیمت عمده‌فروشی (رو به بالا) انجام گیرد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه یکسان خواهد بود. معمولاً برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید از قیمتی استفاده شود که مستلزم کمترین میزان تعدیلات ذهنی است.
- چ. ساختمان نگهداری و استفاده شده. یک داده ورودی سطح ۲ می‌تواند قیمت هر متر مربع ساختمان (ضریب ارزشیابی) باشد که از داده‌های قابل مشاهده بازار استخراج شده است، مانند ضرایب استخراج شده از قیمت‌های معاملات مشاهده شده از جمله ساختمانهای قابل مقایسه (یعنی مشابه) در موقعیتهای مکانی مشابه.
- ح. واحد مولد نقد. یک داده ورودی سطح ۲ می‌تواند ضریب ارزشیابی (مانند ضریب سود یا درآمد عملیاتی یا یک معیار عملکرد مشابه) باشد که از داده‌های قابل مشاهده بازار به دست آمده است، مانند ضرایب حاصل از قیمت معاملات مشاهده شده از جمله فعالیتهای تجاری قابل مقایسه (یعنی مشابه)، با در نظر گرفتن عوامل عملیاتی، بازار، مالی و غیر مالی.

داده‌های ورودی سطح ۳ (بندهای ۸۶ تا ۹۰)

- ب۳۶. نمونه داده‌های ورودی سطح ۳ برای برخی داراییها و بدهیها، شامل موارد زیر است:
- الف. سواپ ارزی بلندمدت. یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند نرخ بهره برحسب ارزش خاصی باشد که قابل مشاهده نیست و از طریق داده‌های قابل مشاهده بازار در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ یا به طریق دیگر، برای بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ ارزی، قابل تأیید نیست. نرخ بهره در سواپ ارزی، نرخ است که بر اساس منحیهای بازده کشورهای مربوط محاسبه می‌شود.
- ب. اختیار معامله سه‌ساله سهام قابل معامله در بورس. یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند نوسانهای تاریخی، یعنی نوسانهای سهام ناشی از قیمت‌های تاریخی سهام، باشد. حتی اگر نوسانهای تاریخی تنها اطلاعات در دسترس درباره قیمت اختیار معامله باشد، بطور معمول بیانگر انتظارات فعالان فعلی بازار از نوسانهای آتی نیست.
- پ. سواپ نرخ بهره. یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند تعدیل میانگین قیمت توافقی (غیرالزام‌آور) بازار مربوط به سواپ با استفاده از داده‌هایی باشد که بطور مستقیم قابل مشاهده نیست و به طریق دیگر، با داده‌های قابل مشاهده در بازار، قابل تأیید نمی‌باشد.
- ت. بدهی برچیدن تأسیسات در ترکیب تجاری. اگر اطلاعاتی که نشان دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد، داده ورودی سطح ۳ می‌تواند برآورد فعلی با استفاده از داده‌های خود واحد تجاری درباره جریانهای نقدی خروجی آتی قابل پرداخت برای ایفای تعهد باشد (شامل انتظارات فعالان بازار درباره مخارج ایفای تعهد و پاداشی که فعال بازار در ازای قبول تعهد برچیدن دارایی مطالبه می‌کند). این داده ورودی سطح ۳ می‌تواند به همراه سایر داده‌های ورودی، مانند نرخ بهره بدون ریسک جاری یا نرخ بدون ریسک تعدیل شده بابت اعتبار، در روش ارزش فعلی مورد استفاده قرار گیرد، مشروط بر اینکه اثر وضعیت اعتباری واحد تجاری بر ارزش منصفانه بدهی، به جای انعکاس در برآورد جریانهای نقدی خروجی آتی، در نرخ تنزیل منعکس شده باشد.
- ث. واحد مولد نقد. اگر اطلاعاتی که نشان دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد، داده ورودی سطح ۳ می‌تواند برآورد پیش‌بینیهای مالی (برای مثال، جریانهای نقدی یا سود یا زیان دوره) انجام‌شده با استفاده از داده‌های خود واحد تجاری باشد.

اندازه‌گیری ارزش منصفانه در شرایطی که حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی، کاهش قابل ملاحظه یافته است

- ب۳۷. ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در صورتی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد که در حجم یا سطح فعالیت آن دارایی یا بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها یا بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه‌ای واقع شده باشد. برای تعیین اینکه بر مبنای شواهد موجود، کاهش قابل ملاحظه‌ای در حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی واقع شده است یا خیر، واحد تجاری باید اهمیت و مربوط بودن عواملی مانند موارد زیر را ارزیابی کند:
- الف. اخیراً معاملات اندکی انجام شده است.
- ب. قیمت‌های اعلام‌شده با استفاده از اطلاعات جاری، تعیین نشده است.
- پ. قیمت‌های اعلام‌شده، طی زمان یا در میان بازارسازان (برای مثال، برخی بازارهای کارگزاری) نوسان قابل ملاحظه‌ای دارد.
- ت. شاخصهایی که در گذشته، همبستگی بالایی با ارزشهای منصفانه دارایی یا بدهی داشته‌اند، به وضوح با شاخصهای اخیر ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی همبستگی ندارند.
- ث. افزایش قابل ملاحظه در صرف ریسک ضمنی نقدشوندگی، بازده‌ها یا شاخصهای عملکرد (مانند میزان قصور یا شدت زیان) مربوط به قیمت‌های معاملات مشاهده شده یا قیمت‌های اعلام‌شده در مقایسه با برآورد واحد تجاری از جریانهای نقدی مورد انتظار، که با در نظر گرفتن تمام داده‌های در دسترس بازار درباره ریسک اعتباری و ریسک عدم ایفای تعهد دارایی یا بدهی ایجاد شده است.
- ج. فاصله زیادی بین قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش وجود داشته باشد یا افزایش قابل ملاحظه‌ای در فاصله بین قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش ایجاد شده باشد.
- چ. در ارتباط با انتشارهای جدید (یعنی بازار اولیه) دارایی یا بدهی یا داراییها یا بدهیهای مشابه، کاهش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت بازار ایجاد شده باشد، یا اساساً چنین بازاری وجود نداشته باشد.
- ح. اطلاعات اندکی در دسترس عموم باشد (برای مثال، در مورد معاملاتی که در بازار بدون واسطه انجام می‌شود).

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ب ۳۸. اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که در حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، تجزیه و تحلیل بیشتری در خصوص قیمت‌های معاملات یا قیمت‌های اعلام شده ضرورت می‌یابد. کاهش در حجم یا سطح فعالیت، به خودی خود ممکن است نشان ندهد که قیمت معامله یا قیمت اعلام شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست یا معامله در آن بازار، متعارف تلقی نمی‌شود. اما اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که قیمت معامله یا قیمت اعلام شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست (برای مثال، ممکن است معاملاتی وجود داشته باشد که متعارف نباشند)، در صورت استفاده از آن قیمت‌ها به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، تعدیل قیمت‌های معاملات و قیمت‌های اعلام شده ضرورت می‌یابد و تعدیل مزبور، می‌تواند در مقایسه با اندازه‌گیری ارزش منصفانه در مجموع، قابل ملاحظه باشد. تعدیلات ممکن است در شرایط دیگری نیز ضرورت یابد (برای مثال زمانی که قیمت دارایی مشابه، مستلزم تعدیل قابل ملاحظه‌ای باشد تا با دارایی اندازه‌گیری شده، قابل مقایسه شود یا زمانی که قیمت قدیمی باشد).

ب ۳۹. این استاندارد روشی را برای انجام تعدیلات قابل ملاحظه در قیمت‌های معاملات یا قیمت‌های اعلام شده، تجویز نمی‌کند. برای تشریح استفاده از تکنیک‌های ارزشیابی هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به بندهای ۶۱ تا ۶۶ و ب ۵ تا ب ۱۱ مراجعه کنید. صرف‌نظر از تکنیک ارزشیابی مورد استفاده، واحد تجاری باید تعدیلات مناسب ریسک، از جمله صرف ریسکی که بیانگر مبلغ مورد درخواست فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی جریانهای نقدی دارایی یا بدهی است، را در نظر بگیرد. (به بند ب ۱۷ مراجعه شود). در غیر این صورت، این اندازه‌گیری، بیان صادقانه ارزش منصفانه نخواهد بود. در برخی موارد، تعیین تعدیل مناسب ریسک ممکن است دشوار باشد. اما میزان دشواری به تنهایی برای نادیده گرفتن تعدیل ریسک، کافی نیست. تعدیل ریسک باید معامله متعارف بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار را منعکس کند.

ب ۴۰. اگر در حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی کاهش قابل ملاحظه‌ای ایجاد شده باشد، تغییر در تکنیک ارزشیابی یا استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی می‌تواند مناسب باشد (برای مثال، استفاده از رویکرد بازار و تکنیک ارزش فعلی). هنگام تعیین اهمیت شاخصهای ارزش منصفانه تعیین شده در نتیجه استفاده از تکنیک‌های ارزشیابی چندگانه، واحد تجاری باید معقول بودن دامنه اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه را در نظر بگیرد. هدف، تعیین نقطه‌ای در این دامنه است که در شرایط جاری بازار، بهترین نماینده ارزش منصفانه باشد. دامنه گسترده اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه ممکن است بیانگر آن باشد که تجزیه و تحلیل بیشتری مورد نیاز است.

ب ۴۱. حتی زمانی که در حجم یا سطح فعالیت یک دارایی یا بدهی کاهش قابل ملاحظه‌ای ایجاد شده باشد، هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه تغییر نمی‌کند. ارزش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف (یعنی شرایطی غیر از انحلال اجباری یا فروش اضطراری) بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط فعلی بازار، قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.

ب ۴۲. در صورت وجود کاهش قابل ملاحظه در حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی، برآورد قیمتی که فعالان بازار تمایل به انجام معامله به آن قیمت، در تاریخ اندازه‌گیری طبق شرایط جاری بازار دارند، به واقعیتها و شرایط تاریخ اندازه‌گیری بستگی دارد و مستلزم قضاوت است. قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسویه یا ایفای بدهی به طریقی دیگر، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، مربوط تلقی نمی‌شود، زیرا ارزش منصفانه، یک معیار مبتنی بر بازار است و مختص واحد تجاری نمی‌باشد.

شناسایی معاملاتی که متعارف نیستند

ب ۴۳. در صورت کاهش قابل ملاحظه در حجم یا سطح فعالیت یک دارایی یا بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه)، تعیین اینکه معامله متعارف است یا خیر، دشوار می‌باشد. در چنین شرایطی، رسیدن به این نتیجه که تمام معاملات بازار، متعارف نمی‌باشند (یعنی انحلال اجباری یا فروش اضطراری)، مناسب نیست. شرایطی که می‌تواند نشان‌دهنده متعارف نبودن معاملات باشد، شامل موارد زیر است:

الف. برای دوره‌ای پیش از تاریخ اندازه‌گیری، مراجعه به بازار به میزان کافی صورت نگرفته باشد تا انجام فعالیت‌های بازاریابی که برای معاملات دربرگیرنده این داراییها یا بدهیها در شرایط فعلی بازار معمول و متداول است، امکانپذیر شود.

ب. دوره معمول و متداول برای بازاریابی وجود داشته باشد، اما فروشنده، آن دارایی یا بدهی را به یک فعال واحد در بازار عرضه کرده باشد.

پ. فروشنده ورشکست شده باشد یا در آستانه ورشکستگی یا در حال انحلال (یعنی فروش اضطراری) باشد.

ت. فروشنده، طبق مقررات یا الزامات قانونی ملزم به فروش باشد (یعنی فروش اجباری).

ث. قیمت معامله در مقایسه با سایر معاملات اخیر برای دارایی یا بدهی یکسان یا مشابه، تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

واحد تجاری باید شرایط را ارزیابی کند و بر اساس اهمیت شواهد موجود، تعیین نماید که معامله، متعارف است یا خیر.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه

- ب ۴۴. واحد تجاری، هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرف ریسک بازار، باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:
- الف. اگر شواهد نشان دهد که معامله، متعارف نمی‌باشد، واحد تجاری باید در صورت امکان، اهمیت اندکی (در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه) برای قیمت آن معامله در نظر بگیرد.
- ب. اگر شواهد نشان دهد که معامله، متعارف است، واحد تجاری باید قیمت آن معامله را در نظر بگیرد. میزان اهمیت اختصاص یافته به قیمت آن معامله در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه، به واقعیتهای و شرایط نظیر موارد زیر بستگی دارد:
۱. حجم معامله.
 ۲. قابلیت مقایسه معامله با دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری.
 ۳. نزدیکی معامله به تاریخ اندازه‌گیری.
- پ. اگر واحد تجاری اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد تا به این نتیجه برسد که معامله، متعارف است یا خیر، باید قیمت معامله را در نظر بگیرد. با وجود این، قیمت معامله ممکن است بیانگر ارزش منصفانه نباشد (یعنی قیمت معامله لزوماً تنها مبنا یا مبنای اصلی اندازه‌گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرفهای ریسک بازار نمی‌باشد). در صورتی که واحد تجاری برای نتیجه‌گیری درباره متعارف بودن برخی معاملات، اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد، باید در مقایسه با سایر معاملاتی که متعارف تلقی می‌شوند، برای آن معاملات، اهمیت کمتری قائل شود.
- لزومی ندارد که واحد تجاری تلاش گسترده‌ای برای تعیین اینکه معاملات متعارف هستند یا خیر، انجام دهد، اما نباید اطلاعاتی را که بطور معقول در دسترس است، نادیده بگیرد. در صورتی که واحد تجاری یک طرف معامله باشد، فرض بر این است که واحد تجاری برای نتیجه‌گیری درباره متعارف بودن معامله، اطلاعات کافی در اختیار دارد.
- استفاده از قیمت‌های اعلام‌شده ارائه‌شده توسط اشخاص ثالث**
- ب ۴۵. در این استاندارد، استفاده از قیمت اعلام‌شده که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود، مانند خدمات قیمت‌گذاری یا کارگزاری منع نمی‌شود، مشروط بر اینکه واحد تجاری به این نتیجه رسیده باشد که قیمت‌های اعلام‌شده ارائه‌شده توسط آن اشخاص، طبق این استاندارد تعیین شده است.
- ب ۴۶. اگر در حجم یا سطح فعالیت دارایی یا بدهی، کاهش قابل ملاحظه ایجاد شده باشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا قیمت‌های اعلام‌شده ارائه‌شده توسط اشخاص ثالث، با استفاده از اطلاعات جاری که بازتابی از معاملات متعارف است، ایجاد شده است یا با استفاده از یک تکنیک ارزشیابی که بازتابی از مفروضات فعالان بازار (شامل مفروضات مربوط به ریسک) است. در تخصیص اهمیت به قیمت‌های اعلام‌شده به عنوان یک داده ورودی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، واحد تجاری کمترین میزان اهمیت را (در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه که نشان‌دهنده نتایج معاملات است) برای قیمت اعلام‌شده‌ای قائل می‌شود که نتایج معاملات را منعکس نمی‌کند.
- ب ۴۷. علاوه بر این، هنگام تخصیص اهمیت به شواهد موجود، باید ماهیت قیمت اعلام‌شده (برای مثال، قیمت اعلام‌شده، قیمت شاخص یا پیشنهاد الزام‌آور)، در نظر گرفته شود و به قیمت اعلام‌شده ارائه‌شده توسط اشخاص ثالث که پیشنهادات الزام‌آور را مطرح کرده‌اند، اهمیت بیشتری داده شود.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳
اندازه‌گیری ارزش منصفانه

۴۲۴

پیوست پ

تاریخ اجرا و گذار

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است و مانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

- پ ۱. واحد تجاری باید این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد، مجاز است. اگر واحد تجاری این استاندارد را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.
- پ ۲. این استاندارد، باید از ابتدای دوره سالانه‌ای که برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، با تسری به آینده اعمال شود.
- پ ۳. ضرورتی ندارد که الزامات افشای این استاندارد، در تهیه اطلاعات مقایسه‌ای دوره‌های قبل از بکارگیری اولیه این استاندارد بکار گرفته شود.
- پ ۴. اصلاحات سالانه، دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، منتشر شده در دسامبر سال ۲۰۱۳، بند ۵۲ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال ۲۰۱۴ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را از ابتدای دوره سالانه‌ای که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، با تسری به آینده اعمال کند. بکارگیری پیش از موعد، مجاز است. اگر واحد تجاری این مورد اصلاحی را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.
- پ ۵. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، منتشر شده در جولای سال ۲۰۱۴، بند ۵۲ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ اعمال کند.
- پ ۶. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۶، منتشر شده در ژانویه سال ۲۰۱۶، بند ۶ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۶ اعمال کند.

حسابرسی